

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۱

جمعه ۲ آذر ۱۳۹۷، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۸

اطلاعیه های حزب:

حرکت وسیع و خشمگین کارگران هفت تپه

برای آزادی رهبران

سیل حمایت شورانگیز از کارگران نیشکر هفت تپه

ادامه حرکت با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه

و فولاد اهواز

شماری از کارگران بازداشتی هفت تپه شب گذشته آزاد شدند

کارگران گروه فولاد اهواز در کنار نیشکر هفت

تپه ایستاده اند

نیشکر هفت تپه، ما هستیم، کنار هم می ایستیم

کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی در

اعتراض متحد

خانواده های کارگران نیز وارد میدان میشوند

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

در نوزدهمین روز

لیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه

فراخوان به کارگران و مردم خوزستان

اسماعیل بخشی و مسلم آرمند باید فوراً

آزاد شوند

کارگران نیشکر هفت تپه کوتاه نمی آیند

دهمین روز اعتراضات و تجمعات کارگران

گروه ملی فولاد اهواز

دستگیری نمایندگان کارگران هفت تپه

را محکوم میکنیم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۲۱

حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری

به مناسبت بیست و هفتمین سالروز تشکیل حزب (بخش دوم)

اصغر کریمی

صفحه ۲

سندیکای شرکت واحد و جایگاه مجمع عمومی

میزگرد حمید تقوایی، شهلا دانشفر و خلیل کیوان

صفحه ۳

بازتاب هفته

خلیل کیوان: قتل خاشقچی و ماهیت پست و کثیف سرمایه داری

شهاب بهرامی: فاجعه یمن!

خلیل کیوان: انقلاب و ظهور سازده قاجار

صفحه ۴

درباره یک اعتصاب زیبا

مصاحبه با شهلا دانشفر

صفحه ۵

ما مسبب انزوای رضا مقدم نیستیم

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۰

رئیس بانک مرکزی، از تعیین نرخ ارز در کوچه

پس کوچه ها تا معافیت ۶ هزار صادر کننده!

محمد شکوهی

صفحه ۱۱

یک هفته سکولار در برلین

مصاحبه کیوان جاوید با مینا احدی

صفحه ۱۴

رتبه اول ایران در پولشوئی

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۵

سوسیالیسم و سعادت

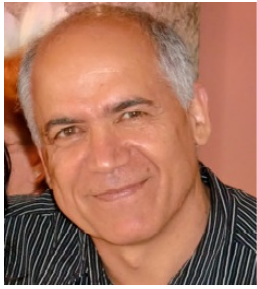
سینا پدram

صفحه ۱۴



حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری

به مناسبت بیست و هفتمین سالروز تشکیل حزب (بخش دوم)



اصغر کریمی

در بخش اول این نوشته به متد و مبانی فکری و سیاسی ما در برخورد به جنبش کارگری و طبقه کارگر صحبت کردیم. به اینکه کارگر یک موجود اجتماعی است، کمونیسم یک جنبش اجتماعی، مادی و عینی در درون طبقه کارگر است، رهبران خود را دارد و همه ستم های دیگر جامعه مستقیماً به او مربوط است و ... اینجا در ادامه بحث به سیاست های عملی مشخص و فعالیت های کمپینی و میدانی حزب خواهیم پرداخت که منتج از همین متولوژی است.

چهره های کارگری

یکی از مهمترین و باشکوه ترین دستاوردهای جنبش کارگری در ایران جلو آمدن طیفی نسبتاً گسترده و رو به افزایش از رهبران کارگری است. کارگر به همان اندازه در جامعه مطرح میشود که چهره های بانفوذ و شناخته شده ای داشته باشد. کارگران و در واقع هر جنبش و هر سازمان و حزبی هرچه بیشتر چهره های شناخته شده داشته باشند، بیشتر در جامعه مطرح میشوند، هویت اجتماعی بیشتری پیدا میکنند و نفوذشان بیشتر میشود. چهره های یک جنبش اهرم مهمی برای جذب نیرو هستند. با پخش اعلامیه از پشت دیوار هیچ گروه و سازمان سیاسی اجتماعی نمیشود و جامعه به چنین جریانی اعتماد نمیکند. چهره های شناخته شده جنبش کارگری در واقع سخنگویان طبقه کارگر هستند و خواست کارگر را به جامعه مینمایند. از طریق این طیف از کارگران است که وزن و ثقل کارگر در جامعه افزایش پیدا میکند. این موضوع فعالیت دائمی ما در دو دهه گذشته بوده است. اولین فعالیت برجسته حزب در این زمینه کمپین بین المللی و عظیمی بود که در دفاع از محمود صالحی سازمان داده شد و حمایت صدها اتحادیه در سطح بین المللی را به خود جلب کرد. و بدنبال آن دهها کمپین بزرگ دیگر در دفاع

از فعالین کارگری که دستگیر شده اند یا به سخنگوی کارگران تبدیل شده اند سازمان داده ایم. دلایل و تئوری های این جهتگیری را بارها مطرح کردیم و تلاش کردیم بر سنت های دست و پاگیر و محدودنگرانه در این زمینه غلبه کنیم و این سنت را عقب برانیم. این یکی از بارزترین سیاست های ما در جنبش کارگری بود. سایر گروههای چپ تحت عنوان اینکه حزب کمونیست کارگری غیر مسئولانه عمل میکند و مشکل امنیتی برای فعالین کارگری ایجاد میکند مقابل این جهتگیری ما ایستادند اما حقانیت این مساله و استقبال فعالین کارگری باعث شد نسبتاً به سرعت عقب نشینی کنند و خوشبختانه این مساله امروز در جنبش کارگری و در میان کلیه جریانات چپ به امر پذیرفته شده ای تبدیل شده است. حتی موقعی که رهبران حزب سخنرانی گذاشتند، گفت و شنود ترتیب دادند و عکس هایشان در رسانه های حزب چاپ شد، این جریانات تحت عنوان شخصیت پروری شروع به افشاکاری علیه ما کردند. در حالیکه شخصیت های عقب مانده و مرتجع جنبش های دیگر همه جا مطرح بودند و رسانه های دست راستی آنها را باد میزدند و بعنوان شخصیت های مهم تاریخ این جامعه به مردم غالب میکردند، سنت عقب مانده چپ هم ما را تکفیر میکرد که داریم شخصیت پروری میکنیم و چهره های کمونیستی با سابقه درخشان دهها ساله در دفاع از مردم و ارزش های انسانی و یا رهبران کارگری را داریم بزرگ میکنیم! در بخش اول این مطلب توضیح دادم که ما گفته بودیم در بدترین شرایط خفقان هم کارگر رهبرانی دارد که جلو صف اعتراض هستند. گام بعدی ما این بود که این رهبران را در موقعیت های مقتضی به جامعه معرفی کنیم.

امروز خوشبختانه جنبش کارگری تعداد قابل توجهی شخصیت سرشناس دارد که در سطح ایران و بعضاً در سطح بین المللی شناخته شده هستند و این کارگر را در ایران و در سطح بین المللی در موقعیت جدیدی قرار داده است. اینها در زندان و بیرون زندان سخنگوی کارگرانند، کارگران را در زمینه های مختلف نمایندگی میکنند، رسانه ها میتوانند به اینها مراجعه کنند، در کنار شخصیت های جنبش های دیگر، کارگران هم شخصیت های خودشان را به جامعه معرفی کرده اند و اتفاقاً با اینکار پوشش امنیتی بسیار بیشتری برای فعالین و رهبران خود ایجاد کرده اند و هزینه دستگیری آنها را برای حکومت بسیار سنگین تر کرده اند. این پیشروی بسیار قابل توجهی برای طبقه کارگر بوده است. روشن است که جنبش کارگری هزاران، تاکید میکنم هزاران فعال و رهبر دارد که هنوز به جامعه معرفی نشده اند و کمی اوضاع جلوتر برود از هر کارخانه و در هر شهری دهها رهبر کارگری که در دوران اعتصابات و مبارزات دهه های گذشته آبدیده شده اند جلو صحنه میایند و به رهبران اعتراضات توده ای و رهبران شوراهای مردم تبدیل میشوند اما از همین الان هم سنت معرفی رهبران کارگری به جامعه را هرچه بیشتر باید تقویت کرد. اینها نقطه اتکای طبقه کارگرند و به طبقه خود اعتماد بنفس میدهند و هر چه تعداد آنها بیشتر باشد، طبقه کارگر ثقل سیاسی بیشتری در جامعه خواهد داشت. اعتصاب جایی شروع میشود و جایی خاتمه می یابد اما رهبران کارگری به اشکال و در مناسبت های مختلف درمورد مسائل مختلف اظهار نظر میکنند و کارگر را نمایندگی میکنند.

نقش خانواده ها

ما بویژه در پانزده سال اخیر که جنبش کارگری تحرك تازه ای را شروع کرد، بر نقش خانواده ها تاکید مستمری داشته ایم و خوشبختانه این رویکرد نیز مورد استقبال فعالین کارگری قرار گرفته و امروز حضور خانواده های کارگری به سنتی

بازگشت ناپذیر در جنبش کارگری تبدیل شده است. در پانزده سال اخیر به موازات نقش خانواده ها بر نقش مردم شهر نیز تاکید کرده ایم. و گفته بودیم بسیج مردم شهر و ایجاد گفتمان درمورد اعتصاب در فضای شهر بر روحیه نیروی سرکوب هم تاثیر میگذارد. در جریان اعتصاب کارگران نساجی در سنندج در سال ۸۳ که شاید بتوان آنرا به نوعی بعنوان شروع جنبش نوین کارگری معرفی کرد، سنت های تازه ای خود را نشان داد. حضور خانواده ها، نقش مجمع عمومی، تشکیل کمیته اعتصاب، حضور رهبران شناخته شده در صف اول اعتراض، رسانه ای کردن اعتصاب، به خیابان کشیدن اعتراض و جلب توجه مردم شهر و ... ما حتی تاکید کرده بودیم که خانواده های کارگران باید به کمک کارگران اعتصابی تلاش کنند در مجمع عمومی هم شرکت کنند و اظهار نظر کنند. تاکید کرده ایم که حضور خانواده ها اهمیتش صرفاً در گسترده شدن صف راهپیمایی و تجمع کارگر نیست بلکه توجه جامعه را جلب میکند، سرکوب را دشوار میکند، خانواده ها پل ارتباطی میان کارگران اعتصابی و جامعه هستند و اعتصاب را وارد فاز دیگری میکنند و جنبه اجتماعی قابل توجهی به اعتراض کارگر میدهند. زمانی که اعضای خانواده ها که عملتاً زن هستند در تجمع شرکت میکنند، اعتراض چهره دیگری به خود میگیرد و زمینه برای طرح بسیاری مسائل خارج از کارخانه هم ایجاد میشود. حقانیت این جهتگیری را خانواده های کارگران بازداشتی معدن بافق در تابستان ۹۳ نشان دادند. خانواده ها لولای رابطه با شهر شدند، شهر در حمایت از کارگران بسیج شد، اعتراض رسانه ای شد، اعتصاب به گفتمان مردم شهر تبدیل شد و نقش کارگر خود را بیش از هر زمان در آن منطقه نشان داد. در جریان اعتراضات و راهپیمایی های کارگران هیکو شاهد یک برآمد دیگر

مطالبات عمومی مردم، دهمکراتیک یا سوسیالیستی؟

چپ سنتی، مبارزه برای برابری زن و مرد، حقوق کودک، مبارزه با مذهب و اعدام و فقدان آزادی بیان را دهمکراتیک میدانند و بعنوان موضوعی حاشیه ای برای کارگر به آن نگاه میکنند. چون کارگر را یک طبقه اجتماعی نمیدانند. و عملاً این عرصه را به جنبش های دیگر



سندیکای شرکت واحد و جایگاه مجمع عمومی میزگرد حمید تقوایی، شهلا دانشفر و خلیل کیوان

خلیل کیوان: اخیراً در میان کارگران شرکت واحد و فعالین جنبش کارگری بحث‌ها و اختلاف نظراتی در مورد برگزاری مجمع عمومی، مشروعیت هیئت مدیره و وضعیت سندیکای فعلی و همینطور تلاش‌های حکومتی برای سندیکا سازی دولتی و غیره در گرفته است. حتی بحث‌ها به برخورد‌های شخصی و همینطور سابقه افراد کشیده شده است. شهلا دانشفر خوش آمدید به برنامه و لطف کنید یک سابقه از این مسئله به ما توضیح دهید؟

شهلا دانشفر: اگر بخواهم ماجرا را توضیح بدهم باید کمی به قبلتر برگردم. سندیکای شرکت واحد یکی از نمونه تشکلهایی است که در آن جدال گرایشات را ما همواره در طول مبارزاتش از همان آغاز تا الان شاهد بودیم.

خاطرم هست که در سال ۸۴ که اوج اعتراضات این کارگران بود، یک بحث داغ در این سندیکا این بود که آیا شکل اعتراضات به صورت اعتصاب باشد یا صرفاً با روشن کردن چراغ اتوبوسهایشان، اعتراضی "آرام" را جلو ببرند. در این جدال خط اعتصاب پیروز شد و کارگران به پای اعتصابی سراسری در تهران رفتند. اعتصاب قدرتمند این کارگران در آن مقطع توانست تهران را به حرکت در آورد و این یک اتفاق سیاسی مهم در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد بود. این اعتصاب با ابعاد گسترده اجتماعی اش، توانست قدرت اعتصاب و نقش سندیکای واحد را جلوی چشم جامعه بگذارد. بویژه ایستادگی جانانه کارگران در برابر سرکوبگری های رژیم و دستگیری‌ها و به راه افتادن کارزاری وسیع در حمایت از مبارزات آنان، صدای این کارگران را جهانی کرد و اعتراضات این کارگران با حمایت‌های وسیع جهانی روبرو شد. بطوریکه زیر

فشار اعتراضات این کارگران و حمایت‌های بین‌المللی رژیم ناگزیر شد بسیاری از دستگیر شدگان را آزاد کند.

باز در مقطعی دیگر شاهد این بودیم که منصور اسانلو که در آن مقطع رئیس هیات مدیره سندیکای واحد بود، از زندان پیام داد و گفت که در "انتخابات" حکومتی به جبهه مشارکت رای میدهد و مشوق شرکت کارگران در این مضحکه بود و ما نقدش کردیم و اعلام کردیم که این صدای کارگر نیست و کارگر را نمایندگی نمیکند. اعلام کردیم که معنای این کار کشاندن اعتراض کارگر بدنبال این جناح و آن جناح حکومتی است و کارگر کل این بساط بردگی و توحش را نمیخواهد. در همانموقع در مقابل این گفته او بحث‌های فراوانی در گرفت، از میان کارگران سندیکای شرکت واحد نیز بیانییه هایی داده شد و گفتند که کارگران در "انتخابات" نماینده‌ای ندارند. با این مثال‌ها می‌خواهم بگویم که این جدال‌ها همه یک جدال تمام عیاری سیاسی هستند که به شکل‌های مختلف خود را نشان داده است. اما خوشبختانه در مسیر حرکت همانطور که اعتراضات کل جامعه هر روز رادیکالتر و چپ‌تر شده است، در داخل سندیکای شرکت واحد نیز خط رادیکال و معترض جلو آمده است و توانسته است به یک تشکل معتبری تبدیل شود که در سطح اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی شناخته شده است. این یک دستاورد جنبش کارگری است.

در ادامه این کشاکش‌ها، در مقطع اخیر این درگیریها مدتیست در سندیکای واحد بالا گرفته است. یک بخش از این درگیری‌ها ناشی از اوضاعی است که جمهوری اسلامی بر سر کارگران آورده است. بطور مشخص کارگر حق تشکل ندارد و داشتن تشکل ممنوع است. و

جمهوری اسلامی سعی میکند که با انواع و اقسام تفرقه افکنی‌ها تشکلها را به انشاقات بکشاند. در درون آنها تفرقه ایجاد کند. با دامن زدن به فضای شایعه پراکنی در میان کارگران بی‌اعتمادی ایجاد کند و فضایی مسموم بوجود آورد و در این میان عوامل خودش را نیز وارد ماجرا کند. ما امروز تاثیر این نوع تشبثات را در شرکت واحد هم می‌بینیم. مدت‌هاست اینها مجمع عمومی تشکیل نداده اند. در آن هنگام که سندیکا را تشکیل دادند، در مقابل تهدیدات رژیم جانانه ایستادند و گفتند که ایجاد تشکل امر خود کارگران است و احتیاج به مجوز ندارد و سندیکای خود را تشکیل دادند و هیات مدیره شان را انتخاب کردند. اما بعد نتوانستند مجمع عمومی خود را به پا کنند و انتخابات جدیدی داشته باشند. وقتی هم تقاضای تشکیل مجمع عمومی را دادند، به آنها اجازه تشکیل داده نشد. از طرف دیگر عده‌ای از کارگران داخل سندیکا خواهان تشکیل مجمع عمومی و تغییر هیات مدیره سندیکا هستند. این وسط دعوای شخصی شده است. پرونده سازها علیه یکدیگر به راه افتاده است و همانطور که شما هم اشاره کردید، این بخش یا آن بخش مساله را شخصی میکنند و پرونده‌های یکدیگر را بیرون میکشند. این وسط سندیکای واحد دارد قربانی میشود. ما اعلام کردیم و گفتیم که ما کاری نداریم که چه کسی و با چه نیتی مجمع عمومی را اعلام کرده است. اما راه حل تشکیل مجمع عمومی است و همه مسایل را باید به درون مجمع عمومی کارگری آورد. اعلام کردیم باید تلاش کرد که همه کارگران در مجمع عمومی شرکت کنند و نظر بدهند تا سندیکا از این بن بست بیرون بیاید. گفتیم راه حل اینست که خود سندیکا با یک پلتفرم

مبارزاتی بیاید جلو و مجمع عمومی را تشکیل دهد و بگوید خواستهای ما در این دوره تحقق این بندهای معین است و با دخالت حداکثری کارگری، انتخابات واقعی خود را جاری کند. ما اعلام کردیم که انتظار می‌رود که سندیکا در مجمع خود حتی تصویب کند که مجمع عمومی یک رکن پایه‌ای این تشکیلات خواهد بود تا با به میدان آمدن خود کارگران و اعمال اراده شان از طریق مجمع عمومی دیگر این اتفاقات تکرار نشود و جلوی این تفرقه افکنی‌ها گرفته شود. در حالیکه دیدیم که در این دسته بندی‌ها عده‌ای خود را با رضا شهابی تعریف کردند و در مخالفت با طرف مقابل به تقابل با مجمع عمومی برخاستند. عده‌ای هم حول سعید ترابی جمع شدند و به افشاکاری هایشان علیه طرف مقابل ادامه دادند. در این میان عده‌ای هم تحت عنوان اینکه باید هر دو طرف را افشا کرد، عملاً خود را از کل این ماجرا بیرون کشیدند. در این میان مجمع عمومی قربانی شد. از جمله در این دسته بندی‌ها عده‌ای در مخالفت با برپایی مجمع عمومی، حتی از این گفتند که شوراها را اسلامی حکومتی هم مجمع عمومی دارند و آب تطهیر بر سر آنها ریختند. ما گفتیم خیر اینطور نیست. شورای اسلامی مجمع عمومی ندارد. شوراها را اسلامی، تشکل‌های دست‌ساز حکومتی هستند و باید تابع ولی فقط باشند. بهرحال بحث ما این بود که راه حل نجات سندیکای واحد، این دستاورد جنبش کارگری، تشکیل مجمع عمومی و اتکا به رای خود کارگران است. این سابقه کوتاهی از ماجرا تا به حال است.

خلیل کیوان: به این ترتیب می‌بینیم که عده‌ای مخالف هیئت مدیره تاکنونی بودند و عده‌ای هم علیه تغییر آن. عده‌ای هم مخالف هر

دو گروه هستند. اجازه بدهید از حمید تقوایی بپرسیم نظر ایشان چیست. چه رهنمودی داشتید و چه رهنمودی دارید؟

حمید تقوایی: به نظر من این دسته بندی‌ها جواب مسئله را نمیدهد. کما اینکه تا حالا هم نداده است. اینکه عده‌ای بگویند این هیئت مدیره صالح نیست، عده‌ای بگویند آنهاست که طرفدار مجمع عمومی هستند، خانه کارگر پشتشان است و این سندیکا سازی دولتی است و غیره، یک عده‌ای هم بگویند هیچکدام از این دو طرف رادیکال نیستند، منافع کارگر را نمایندگی نمی‌کنند، به نوعی به وزارت کار یا خانه کارگر و اینها متصل هستند، اینها همه دودش به چشم کارگران می‌رود. همچنانکه شهلا دانشفر گفت در این مجادلات سندیکای شرکت واحد که سابقه درخشانی هم دارد، قربانی میشود. واقعا راه حل چیست؟ آیا باید وارد جدل شد که چه کسی یا کسانی بیشتر یا کمتر به جمهوری اسلامی نزدیکتر هستند؟ کی رادیکال است یا رادیکال نیست؟ خوب ما همیشه وقتی خط راستی مثلاً خط اسانلو و امثال آن مطرح شده است مقابلش ایستاده‌ایم و نقدش کرده‌ایم ولی آن یک نقد سیاسی بوده است. وقتی صحبت بر سر انتخاب هیئت مدیره سندیکا است دیگر نمی‌شود گفت بخاطر اینکه می‌خواهیم از رادیکالیسم دفاع کنیم مجمع عمومی را تشکیل ندهیم یا در این مقطع مجمع عمومی تبدیل به ابزاری در دست خانه کارگر شده است. این بحث‌ها را مطرح کرده اند. بحث ما چیست؟ بحث ما این است اتفاقاً در چنین شرایطی که این اختلافات هست راه حل مجمع عمومی است. مجمع عمومی به معنی رجوع به نظر و بحث و رای توده کارگر در یک گردهمایی که

بازتاب هفته

قتل خاشقچی و ماهیت پست و کثیف سرمایه داری

خلیل کیوان

بالاخره ترامپ بعد از کش و قوس های زیاد و مغلطه گویی های پی در پی در مورد قتل خاشقچی و نقش ولیعهد عربستان، سه شنبه ۲۹ آبان بیانه ای صادر و اعلام کرد: "نمی شود به قطعیت گفت که این قتل بدستور ملک سلمان اتفاق افتاده است". این در حالی است که سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا پس از تحقیقات خود اعلام کرده بود که این قتل بدون اطلاع محمد بن سلمان ممکن نبوده است. بیانه ترامپ بوضوح تصریح میکند که حتی اگر ملک سلمان خود اقرار کند فرمان قتل خاشقچی را صادر کرده است، او نباید قبول کند.

بالاخره زور میلیاردها دلار تجارت آمریکا با عربستان و همکاری های سیاسی و امنیتی آنها و دوستی عمیق سران دو کشور و از جمله داماد ترامپ با محمد بن سلمان بر حقیقت چیره شد. قابل انتظار هم بود. مایک پمپو در دفاع از بیانه ترامپ گفت: "جهان جای پست و کثیفی است و آقای ترامپ متعهد به سیاست هایی است که منافع ملی آمریکا را پیش میبرد". او صراحتاً به "ماهیت پست و کثیف" سرمایه داری که "منافع ملی" را بر هر چیز دیگری و از جمله بر بیان حقیقت ارجح میکند، تاکید گذاشت. آش آنقدر شور است که صدای برخی از اعضای دستگاه حاکم آمریکا هم درآمده است؛ جان برنان مدیر سابق سازمان

اطلاعات مرکزی آمریکا خطاب به نمایندگان کنگره میگوید باید خواهان انتشار تحقیقات سازمان سیا در این رابطه شوند، و سناتور جمهوری خواه بابک کرکر گفت: هرگز تصور نمیکرده است که دونالد ترامپ نقش دفتر روابط عمومی ولیعهد عربستان را بازی میکند. بیانه ترامپ در مورد قتل خاشقچی همانطور که مایک پمپو اعتراف کرد یک چیز را بیش از پیش تاکید گذاشت؛ ماهیت پست و کثیف سرمایه داری.

قتل جمیع خاشقچی و حواشی آن آینه ای شد که چهره پست، کثیف و جنایتکارانه سرمایه داری کمی خراش داده شود و گوشه ای از ماهیت پلید آن بنمایش گذاشته شود. جنایت پیشگی حکام اسلامی عربستان که نزدیکترین منتقدین خودیشان را هم آنطرف مرزهایشان سلاخی میکنند، فرصت طلبی اردوغان که با درج اطلاعات قطره چکانی در پی فشار به رقیب منطقه ای خود و گرفتن امتیاز از آمریکا بود و نه کشف حقیقت، دول اروپایی که زیر فشار افکار عمومی انتقادات بی ویتامینی علیه حکام عربستان بیان کرده اند و بعضاً تا اطلاع ثانوی از صدور اسلحه به آن کشور خوداری میکنند در این ماجرا آشکار شد. در این میان اما محکوم کردن این قتل توسط برخی از سران حکومت تروریستی و جنایتکار جمهوری اسلامی که ملک سلمان و حکومت ریاض در مقایسه با آنها فرشته مینمایند، از همه کثیف تر و تهوع آور تر بود.

انقلاب و ظهور شازده قاجار

خلیل کیوان

سر و کله یک شازده دیگر هم پیدا شد؛ بابک میرزای قاجار. حالا دیگر مردم می توانند از میان دو سلسله و دو شاهزاده، و البته در یک انتخابات آزاد، یکی را بعنوان پادشاه برگزینند. اکنون دیگر علاوه بر رضا پهلوی، بابک قاجار هم، کاندید سلطنت هستند. البته ایشان، هم تویت های شاهانه مینویسند و هم قوم گرایی را باد میزنند. شازده قاجار در یکی از تویت هایش نوشته است: "اگر قرار باشد شاهنشاهی به ایران برگردد این حق ماست که با کودتا و نیرنگ ساقط شدیم. نه حق آنهایی که با انقلاب از حکومت رفتند". البته ایشان خیلی هم از اوضاع پرت نیستند و میدانند استقرار پادشاهی در ایران یک شوخی بیش نیست. این مقام شاهانه در تویتی دیگر می نویسند: "شاهنشاهی در هر نوعش به این سرزمین نخواهد آمد، اما آنهایی که اصرار بر برقراری نظام پادشاهی دارند می توانند برای خود در اطراف پاسارگارد امپراطوری خیالی را بسازند. آذربایجان و ملت تورک بسوی آزادی و دموکراسی گام خواهد برداشت".

قریب الوقوع بودن انقلاب در ایران راست را به تکاپو انداخته است. همه راه حل های تاکتونی راست برای تغییر و یا جایگزینی و سرنگونی، از اصلاحات و رفرااندوم و

کودتا تا جنگ و حمله نظامی و غیره به بن بست رسیده است. جامعه با گام های سنگین و استوار بسوی انقلاب گام برمیدارد. از اینرو نگاه راست هم، به خیابان و مردم و انقلاب دوخته شده است. نه فقط رضا پهلوی، بلکه بابک قاجار هم این را متوجه شده است. بابک قاجار الحق یک چیز دیگر را بهتر از رضا پهلوی درک کرده است و آن این است که پادشاهی در ایران شانس ندارد. او ادعای بازگشت به تخت پادشاهی را فقط بصورت تروریست در مقابل پهلوی بکار میبرد. میرزا که تصور میکند شازده بودن در این شرایط یک سرمایه سیاسی است، میخواهد از قبل آن سری در سرها در بیاورد، غافل از اینکه، این بوی کیاب نیست، خر داغ میکنند.

دوره های انقلابی شگفتی سازند؛ صحنه ها را با سرعت عوض میکنند، پرسناژها و مدعیان سیاسی رنگارنگی را بمیدان میاورد و یا از میدان بدر میکند، بر دستان خود بلندشان میکنند و بر زمینشان میکوبند. انقلاب البته مذاح و شوخی هم میکند. ظهور شازده میرزا از جمله این مذاح ها است. کسی چه میداند، اوضاع که حادث شود چه بسا سر و کله شاهزادگانی از زندیه و افشاریه و صفویه و حتی سلسله های قبلی و اصحاب کهنف هم پیدا شوند.

فاجعه یمن!

شهاب بهرامی

هزینه جنگ یمن برای سعودی ها تا به امروز از مرز پنجاه میلیارد دلار گذشته است، کشورهای آمریکا، آلمان و انگلیس سه کشور اصلی فروشنده تسلیحات به نیروهای ائتلاف هستند، جدای از این، نیروهای درگیر نیز تمایلی برای پایان دادن به جنایت هایشان را ندارند. سیستم بوروکراسی فاسد رئیس جمهور هادی، به چپاول و مال اندوزی و قاچاق همه چیز مشغولند. نیروهای حوثی بغیر از حقوقهای دلاری که از اماراتی ها دریافت می کنند، دکان باجگیری، راهزنی، مالیات گیری، قاچاق و راهای دیگر، ثروتهای هنگفتی را بدست آورده اند. داستان آشنایی که در ایران نیز، مردم هر روزه شاهدند. آنچه در این میان غایب است آنچه که به تصویر کشیده نمی شود وجود میلیونها جنگ زده، بیخانمان، مریض و گرسنه ای است که مستقیماً قربانی سیاست های آشکارا ضد بشری هر دو طرف درگیر در این جنگ است. در این میان تراژدی کودکان قربانی جنگ، جانکاه تر از هر چیز دیگری است. به گفته سازمان فرادولتی "حفاظت از کودکان" ظرف دو سال گذشته بیش از هشتاد و پنج هزار کودک بر اثر سوء تغذیه شدید جان خود را از دست داده اند. یعنی به ازای هر کودکی که بوسیله انفجار بمب کشته می شود نه کودک در اثر گرسنگی می میرند.

متأسفانه در سطح جهانی هیچ گونه تمایل و تلاش جدی و مسئولانه ای از طرف نهادهای قدرتمند بین المللی برای پایان دادن به این جنایت هولناک دیده نمی شود. در سطح بین المللی نیروهای ضد جنگ از همان جنسی که علیه حمله بوش پسر به عراق، تظاهرات سی میلیونی در چهار گوشه جهان بپا کردند خبری نیست. در داخل یمن نیز نیروهایی که در صف اول قیام بهار عربی رژه می رفتند از صحنه سیاسی محو شده اند. تنها راه نجات مردم یمن عروج تشکلات کارگری و سوسیالیستی

بار دیگر جنگ یمن و حمله مرگبار نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی بعنوان یکی از مهمترین وقایع هفته، به صدر اخبار رانده شد. مدتها قبل از تصمیم حمله نظامی نیروهای ائتلاف به بندر حدیده که در کنترل نیروهای حوثی قرار دارد، سازمانهای مدافع حقوق بشر و نهادهای انسان دوست، خواهان جلوگیری از این حمله شده و هشدار داده بودند که ادامه این جنگ در حدیده به یک فاجعه تمام عیار انسانی منجر خواهد شد.

همزمان با اوجگیری قیام های مردمی که به بهار عربی مشهور شد، مردم یمن نیز در مارس دوهزار و یازده علیه دولت علی عبدالله صالح قیام کردند. نیروهای جنبش حوثی که پیشتر مواضع خود را در شمال این کشور مستحکم کرده با بهره گیری از این شرایط انقلابی رسماً در دوران گذار که دو سال بطول انجامید مشارکت نمودند. با کشته شدن عبدالله صالح و ناتوانی جانشین وی "هادی" حوثی ها دامنه نفوذشان را به مناطق غربی کشور نیز بسط دادند. امروز کشور یمن عملاً به دو بخش شمالی و جنوبی بین این نیروها تقسیم گشته است.

گفته می شود تکرار فاجعه سوریه در یمن و بن بست سیاسی برای پایان دادن به این جنگ طولانی بخاطر ناتوانی و عدم دخالت جدی سازمان ملل بوده در عین حال هم، نیروهای ائتلاف که از حمایت تمام عیار آمریکا، انگلیس و آلمان برخوردارند و هم نیروهای شبه نظامی حوثی که کشورهای امارات متحده و ایران از حامیان اصلی بشمار می آیند هیچ تمایلی برای پایان دادن به این جنگ ندارند. در این میان فرانسه خواهان جدی قطع فوری جنگ است، چرا که غول نفتی فرانسوی توتال که انحصار استخراج مخازن بیکران گاز مایع یمن را دارد فعلاً عملاً بیکار است.

درباره یک اعتصاب زیبا مصاحبه با شهلا دانشفر



دستمزد است، می کوشند تا مهر سکوت بر دیگر مطالبه کارگران بکوبند و نگذارند که کارگران از نمایندگان دلسوز، فداکار و منتخب خود سخنی بگویند. تا آنها را همچنان در بند نگاهدارند و موضوع فراموش شود. با این سطح از هوشیاری کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که تا آزادی تمامی بازداشت شدگان پای هیچ مذاکره ای نخواهند آمد. یک خواست فوری این کارگران کوتاه شدن دست سرمایه داران خصوصی از شرکت است که با دزدبهایشان این مجتمع بزرگ کارگری را به مرز تعطیلی رسانده و ادامه اشتغال چندین هزار کارگر در آنجا به خطر افتاده است. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که دولت نمیتواند با پرداخت یک ماه یا دو ماه مزد سر ما منت بگذارد و این بدبختی ها همچنان ادامه یابد. کارگران خواهان محاکمه همه اختلاسگران شده و خواستار اداره شرکت تحت نظارت شورای کارگران هستند. بعلاوه اینکه کارگران نیشکر هفت تپه خواهی های دیگری هم دارند. از جمله خواهان پرداخت فوری تمامی طلبهایشان و دیگر مطالبات اعلام شده خود هستند. این چنین است که کارگران نیشکر هفت تپه همراه با خانواده هایشان و حمایت پشتیبانی مردم شوش و بخش های مختلف جامعه مصممانه اعتراضاتشان را به جلو میبرند.

انترناسیونال: به ابعاد اجتماعی و همبستگی وسیع از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اشاره کردید، این همبستگی ها و ابعاد اجتماعی این مبارزات چه بوده است؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم ما با موجی از همبستگی و پشتیبانی از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه روبرو بوده ایم که یسابقه و نوین است. اولین موضوع قابل توجه در این اعتراضات شرکت فعال خانواده ها بود که فاکتور هفته آینده داده اند. اما کارگران اعلام کرده اند که حتی اگر تمامی طلبهایشان پرداخت شود، تا وقتی تا نفر آخر بازداشت شدگان آزاد نشوند، مذاکره ای در کار نخواهد بود و خواهان آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیایی هستند.

از سویی دیگر در این فاصله تلاش های زیادی شد که چهره اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه را عوض کنند. از جمله به موازات اطلاعیه ها و فراخوانهای رزمنده این کارگران که تاکید بر ادامه مبارزاتشان داشت، بیانیه هایی انتشار یافت که کاملا رنگ و بوی حکومتی داشت. این بیانیه ها با همان زبان و عبارت حکومتیان مثل هشدار در مورد اینکه نگذاریم "ضد انقلاب" سوء استفاده کند و امثال اینها، کارگران را به تجمع سکوت و تعهد داشتن به خمینی و قانون اساسی و انقلاب اسلامی فرا می خواند. این نوع اطلاعیه ها از هر کجا که آمده باشد، تلاششان این بود که به اعتراضات کارگران رنگ حکومتی بزنند. اما کارگران با اعتراضات گسترده تر و شعارهای کوبنده اعتراضی خود پاسخ درخوری به آنها دادند. این هم نشانه ای از ضعف و زبونی حکومتیان در برابر اعتراضات با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه با چنین ابعادی از همبستگی اجتماعی است.

نمونه دیگری از همین نوع تقلاها اکنون دارد از سوی دست اندرکاران حکومتی صورت میگیرد. از جمله یک تلاششان اینست که با پرداخت یک ماه از دستمزد کارگران و وعده پرداخت بخشی دیگر آن برای هفته دیگر که البته آنها زیر فشار سنگین چنین مبارزاتی انجام گرفته است، میکوشند برای خود زمان بخرند. اما کارگران طی بیانیه ای با این هشدار که جدیداً افرادی ناشناس!! آگاهانه تلاش می کنند که مسیر خواست و مطالبه کارگران را به انحراف بکشاند و با بیان اینکه خواست اولیه کارگران هفت تپه تنها

انترناسیونال: ارزیابی شما از وضعیت مبارزات کارگران هفت تپه بعد از دستگیری های اخیر چیست؟ مبارزه کارگران در چه موقعیتی قرار دارد؟

شهلا دانشفر: اسماعیل بخشی یکی از رهبران محبوب کارگری در سخنرانی تاریخی اش در ۲۷ آبانماه گفت: "ما زیباترین اعتصابی که تا اکنون امکان داشته، انجام داده ایم. اعتصاب ما اقدر زیبا و با شکوه بوده که مردم شوش، بازاریان، دانشجویان، معلمین هم به ما پیوستند". امروز کارگران نیشکر هفت تپه میگویند: ما نیز به همین زیبایی، شکوه و با حوصله و خستگی ناپذیر اقدر ادامه میدهیم تا به مطالباتمان برسیم. همین گفته وضعیت بعد از دستگیری های اخیر را نشان میدهد.

بدنبال تجمع اعتراضی قدرتمند و با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه در بیست و هفتم آبان ماه مقابل فرمانداری شوش تمامی اعضای مجمع نمایندگان شورای کارگران نیشکر هفت تپه به همراه سپیده قلیایی خبرنگار و فعال دانشجویی دستگیر شدند. روز ۲۸ آبانماه در اعتراض به این دستگیری ها و در پاسخ به فراخوانی که اسماعیل بخشی در سخنرانی پرشورش در روز قبلش و با فراخوانش به تمامی خانواده ها و همه بخش های مردم برای شرکت در تجمع، جمعیت بزرگی از مردم شوش به خیابان آمدند و شاهد یکی از روزهای بیاد ماندنی مبارزه کارگران و مردم بودیم. در آن روز در حالیکه سیل جمعیت مردم شوش کارگران را همراهی میکردند، در شهر راهپیمایی شد و طنین شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، ما همه بخشی هستیم، شهر را به تکان در آورد. بدنبال چنین اعتراضات قدرتمندی است که بجز بخشی و سپیده قلیایی باقی بازداشت شدگان همگی آزاد شده اند و یکماه از دستمزد معوقه کارگران پرداخت شده و وعده پرداخت یکماه دیگر آنرا برای

مهمی در گسترش ابعاد اجتماعی آن است. در این اعتراضات شاهد قرار گرفتن همسران کارگران در صف سخنرانان بودیم. از جمله همسر کارگری که می آید میکروفون را بدست میگیرد و میگوید، پارسال همین موقع توانستیم با قدرت خودمان افشار را بیرون کنیم و امسال هم میتوانیم خواستهایمان را متحقق کنیم، همسر کارگری که می آید و مردم شهر را به پیوستن به صف کارگران فرامیخواند و مادر مسلم آرمند از نمایندگان کارگران که جزو بازداشتی ها بود، می آید و در جمع کارگران به حکومتیان اولتیماتوم میدهد که اگر بازداشت شدگان تا فردا آزاد نشود خودم می آیم تا جاده ببندیم، نمونه های درخشانی از این اتفاق تاریخی و نقش خانواده ها در این اعتراضات است.

نکته دیگر فراخوان رهبری همچون اسماعیل بخشی به خانواده ها و به مردم و همه بخش های جامعه برای پیوستن به اعتراض است. در پاسخ به این فراخوان در روز ۲۸ آبان وقتی که بخشی و تمام نمایندگان شورای کارگران بازداشت شده بودند، مردم وسیعا به خیابان آمدند و شهر شوش به حرکت در آمد. در این اعتراضات معلمانی را دیدیم که آمدند و در جمع کارگران سخن گفتند و اعلام همبستگی کردند. در این اعتراضات دانش آموزان، دانشجویان، زنان در شهر شوش بصورت جمعی به اجتماع کارگران پیوستند و با بدست گرفتن میکروفون حمایت خود را از اعتراضات کارگران اعلام داشتند و با این اتفاق شور و هیجان زیبایی در جمعیت معترض مقابل فرمانداری ایجاد شد. در این اعتراضات یک استاد دانشگاه آمد و پیام

همبستگی داد. در این اعتراضات هنگامیکه سیل جمعیت کارگران در سطح شهر به حرکت در آمد، شاهد این بودیم که مغازه داران با بستن مغازه هایشان آنها را همراهی کردند. و بالاخره اینکه در این مدت بیانیه های حمایتی بسیاری در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی بازداشت شدگان این اعتراضات داده شده است. بیانیه اعضای اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور با امضای شانزده انجمن و کانون، بیانیه ۳۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانی، معلمان و کارگران و دانشجویان، بیانیه هایی از سوی تشکلهای مختلف کارگری بازنشستگان و شمار بسیاری از مراکز کارگری و بازاریان و مغازه داران شوش نمونه هایی از حمایتهای پرشور از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است که لیست کامل آن در اطلاعیه های حزب انتشار یافته است. اعتراضات کارگران هفت تپه همچنین در سطح بین المللی انعکاس گسترده ای داشته و به سر تیتربسیاری از رسانه ها تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری نیز تلاش کرده است که صدای این کارگران را به سطح جهان برساند. از جمله کارگران فورد آلمان با پلاکارد "ما هم هفت تپه ای هستیم" و کنفدراسیون سراسری ایتالیا (CGIL) در همین هفته حمایت خود را از کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند. این سطح از همبستگی که همچنان ادامه دارد نیز شاخص دیگری بر ابعاد اجتماعی این اعتراضات است که مهر اوضاع سیاسی امروز جامعه را دارد.

قدرت اعتراضات کارگران

سندیکای شرکت واحد و جایگاه مجمع عمومی

از صفحه ۳

همه دور هم جمع شده اند، چشم در چشم هم بحث میکنند و نظر میدهند. آنوقت هر خط یا جناحی که فکر میکند جناح مقابل راست است یا خانه کارگری است و جمهوری اسلامی پشتش است و غیره میبرد و در حضور توده کارگر حرفش را میزند. اصلا مجمع عمومی یعنی این. اساس مساله این است که توده کارگر در مجمع عمومی به آن خطی مشروعیت میدهد که رادیکال است مگر اینکه معتقد باشیم که اگر کارگران دور هم جمع شوند خط راست را انتخاب میکنند که فکر نمیکنم هیچ فعال جنبش کارگری به این معتقد باشد. بنابر این آن خط چپ و رادیکال و رای این جناح بندیها باید برود در میان مجمع کارگران حرفش را بزند. نه به این خاطر که ما نقدی به این جناحها نداریم، ما هم نقدهای خودمان را داریم ولی وقتی بحث بر سر انتخاب هیئت مدیره سندیکا است این هیئت مدیره وقتی اعتبار و مشروعیت دارد که مجمع عمومی انتخابش کرده باشد. کما اینکه در آیین نامه سندیکا مجمع عمومی مطرح شده ولی جمهوری اسلامی مانع تشکیل آن بوده است. اجازه نداده است. من فرضم این است که اصلا تمام کسانی که مدافع مجمع عمومی هستند طرفدار جمهوری اسلامی و خانه کارگر هستند ولی با تئوری توطئه نمیشود به سراغ قضیه برویم! اگر خانه کارگریها مجمع عمومی میخواهند این نقطه ضعفشان است. جناح متمایل به خانه کارگر و رژیم مجبور شده است فراخوان به تشکیل مجمع عمومی بدهد، حتی در این صورت جناح رادیکال و چپ باید از این فرصت استفاده کند، خودشان ابتکار عمل را در دست بگیرند و اعلام کنند مجمع عمومی واقعی را باید تشکیل داد و شرایطش اینست که فراگیر باشد یعنی توده کارگران در آن شرکت کنند، بتوانند آزادانه صحبت کنند، دستور جلسه و موضوعات مورد بحثش از پیش روشن باشد، انتخاباتش باید به شکل

تاکید کرده ایم و هنوز هم فکر میکنیم راه حل واقعی وضعیتی که امروز در سندیکای شرکت واحد پیش آمده است برگزاری مجمع عمومی واقعی آزاد و فراگیر کارگران و اتکا به رای و نظر مجمع عمومی است.

خلیل کیوان: شما خلاصه ای از ماقع را توضیح دادید اما عده ای میگویند این حرکت را، حرکتی در جهت سندیکاسازی دولتی و سلب مشروعیت از هیات مدیره کنونی سندیکای واحد است، شما نظرتون در این مورد چیست؟ شهلا دانشفر: حمید تقوایی توضیح دادند. هر تلاشی بوده برای سندیکاسازی دولتی و غیره هست، بالاخره بحث بر سر تشکیل مجمع عمومی است. حرف ما روشن است ما گفتیم تشکیل مجمع عمومی پاسخ این ماجراست. شما تصور کنید که اگر همین بخش مدیره که سرکار بود اعلام میکرد و می گفت که من خودم مجمع عمومی را تشکیل میدهم و بعد از همه تشکلهای کارگری و نهادهای بین المللی کارگری دعوت میکرد که به عنوان ناظر ببینند و شرکت کنند و خودش همه امور را به پیش میبرد، آیا تمام این پروژه و این توطئه ها را خنثی نمی کرد؟

شما دیدید که همه کسانی که امروز خیلی با حرارت وارد این قضیه شده و می خواهند از سندیکای واحد دفاع میکنند، در مقابل تشکیل مجمع عمومی ایستادند و کاری هم نکردند. اما آیا اگر تمام این نیروها روی هم گذاشته میشد تا مجمع عمومی تشکیل شود، آیا آنوقت با دخالت مستقیم خود کارگران شاهد یک اتفاق شورانگیز نبودیم؟ آیا آنوقت در موقعیت بهتری قرار نمیگرفتیم که دست دولت و شورای اسلامی و خانه کارگر را هم کوتاه کنیم و جلوی هر گونه توطئه گری ای را بگیریم. برای مثال همین الان در هفت تپه کارگران شوراهای خود را تشکیل داده اند. ۶ هزار کارگر می ایستند. تجمع میکنند و نمایندگان کارگران می آید و در جمع کارگران گزارش میدهد. و کارگر گروه ملی هم کنارش ایستاده است و میگوید فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد، این

در چنین شرایطی سندیکای واحد نمیتواند با اعتماد به نفس وارد عمل شود و مجمع خود را تشکیل دهد. میگویند نمیشود، چون میخواهند هم اعتراضشان را در چهارچوب قانون نگاه دارند و هم اینکه سندیکای را نجات دهند. روشن است که نمیشود. سوال من اینست که بالاخره توازن قوا چه حکم میکند؟ راه حل کجاست؟ آیا امروز اعتراضات قدرتمند نیشکر هفت تپه و گروه ملی پاسخ همه این سوالات را نمیدهد؟ همین الان نگاه کنید. کارگران شرکت واحد یک بخش معترض جامعه هستند. خواسته هایی دارند. مساله مسکن دارند. به سطح نازل حقوقهایشان اعتراض دارند. به نوع قراردادهایشان اعتراض دارند، اگر یکی جلو می افتاد و میگفت که این پلاتفرم ماست، ببینید مجمع عمومی تشکیل دهیم و برای آن تدارک میباید، آیا کارگران جمع نمیشدند. ولی ما دیدیم این اتفاق صورت نگرفت. نه از جانب خود رهبران سندیکای واحد و نه از جانب تمام فعالین کارگری که سعی داشتند، کمکی بکنند. جریانات دیگر هم که جای خودشان را دارند. حال نه تنها کاری نکردند، بلکه شروع به حمله کرده اند که دیدید مجمع عمومی تشکیل نشد. حتی از مقالات و نوشته های ما تصویر میگیرند و آنها را اینور و آنور پخش میکنند، که ببینید اینها کفر گفته اند و خواستار تشکیل مجمع عمومی بوده اند. خوب من حق دارم بگویم که همه اینها خطا بود و خطاهایی از این دست است که مانعی در حل معضلات سندیکال واحد شد. برای مثال به آنها میگویم اینکه اعلام شده که همه تشکیلات به مجمع عمومی و نهادهای بین المللی به مجمع عمومی دعوت هستند، ابتکار خوبی است. جنجال راه می اندازند ببینید که شهلا دانشفر رفت کنار سعید ترابیان و کنار خانه کارگر. حرف من این بوده و این هست که مجمع عمومی راه حلی است برای اینکه اتفاقا دست شورای اسلامی را کوتاه کند. دست حراست را کوتاه کند. دست حکومت را کوتاه کند و جلوی همه این توطئه گری ها را

بگیرد و اینها را سیاه بر سفید نوشته ام. بنابراین میخواهم نتیجه بگیرم که همه این های و جنجالها جنگ گرایشات است. می بینند جنبش شورایی با قدرت قد علم کرده است، مقابلش ایستاده اند. از مجمع عمومی وحشت دارند و میخواهند توی همان چارچوب قانونی موجود اوضاع را نگاهدارند و به همین دلیل می بینیم که متأسفانه سندیکا شقه شده است و این ها همه اشتباه بود. به نظر من اشتباه کردند و نیامدند پرچم مجمع عمومی را خودشان بدست بگیرند و الان هم من فکر میکنم نجات سندیکای واحد در همین است. پاسخ فراخوان به تشکیل مجمع عمومی و برپایی هزاران نفره آنست. ببینید سال ۸۴ کارگران واحد با جمعی ۵ هزار نفره مجمع عمومی تشکیل دادند و سندیکایشان را تشکیل دادند و اعلامش کردند. امروز که اوضاع به مراتب جلوتر آمده و جامعه دارد از اعتراض منفجر میشود، نمیتواند؟ به این دلیل است که میگویم همه راه را گم کردند و ما با تمام سماجت در دفاع از سندیکای واحد به عنوان یک دستاورد کارگری و در دفاع از آن در مقابل همه اینها ایستادیم. نکته اینجاست که میخواهند همین بلا را سر نیشکر هفت تپه هم بیاورند. ولی سندیکای هفت تپه، سندیکای شرکت واحد نیست. سندیکای نیشکر هفت تپه شوراهای خود را تشکیل داده است و پرچمدار شورا در جنبش کارگری شده است که اتکایش به مجمع عمومی کارگران است. به این اعتبار هفت تپه از موانعی از این دست عبور کرده است.

خلیل کیوان: آیا جمهوری اسلامی اجازه میداد که يك مجمع عمومی واقعی و متکی بر کارگران حالاچه به شکل سراسری و چه در پایانه ها شکل بگیرد و در آن خرابکاری نکند، این توهم نیست؟ حمید تقوایی: بله ممکن بود اجازه نمیداد ولی در این صورت هم همچنانکه اشاره کردم شروع میکردیم به افشاگری علیه کسانی که به بهانه مجمع عمومی میخواهند خط راست را مسلط

حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری

از صفحه ۲

میسپارد و کارگر را در سیاست به دنبال آنها میفرستد. در واقع برخوردش به ستم های مختلف در جامعه هم عمیقاً غیر طبقاتی است. همه ستم ها در جامعه سرمایه داری ستم سرمایه بر جامعه است و مبارزه با این ستم ها بخشی از مبارزه با سرمایه داری، ایدئولوژی و سیاست و عملکرد روزمره آن است. این خواست ها بیش از هر کس به کارگر مربوط است. اعدام و بی حقوقی زن و بی حقوقی کودک نه تنها مساله کل جامعه بلکه مستقیماً تعرضی به کارگر است و بیش از هر کس طبقه کارگر را تحت فشار قرار میدهد. سرمایه داری فقط مشغول استثمار نیست، به انواع ستم ها و تفرقه ها در میان کارگران و کل جامعه نیاز دارد تا بتواند استثمار کند و مبارزه با این ستم ها از اعدام تا بی حقوقی زن، از مذهب تا بی حقوقی کودک، بخش مهم و لاینفکی از مبارزه طبقاتی و برای ما در حزب کمونیست کارگری عرصه های مختلف مبارزه کمونیستی است. چپ سنتی نمیفهمد که هر چه مذهب در میان کارگران ریشه دارتر باشد، تحمیل دستمزد پایین تر و بی حقوقی بیشتر به آن برای سرمایه داری راحت تر است. هرچه آزادی بیان و عقیده کمتر و اعدام و شکنجه بیشتر باشد موانع بیشتری در مقابل کارگر برای اعتراض و اعتصاب و متشکل شدن وجود خواهد داشت. هرچه زن بی حقوق تر باشد، استانداردهای جامعه پایین تر خواهد بود و راحت تر میتوان زنان کارگر را از بیمه بیکاری و سایر بیمه های اجتماعی محروم کرد. و اساساً این ستم ها برای پایین نگهداشتن فرهنگ و استانداردهای جامعه، پایین نگهداشتن توقعات و انتظارات جامعه، توجیه نظام سرمایه داری و برای سر پا نگهداشتن این نظام و استثمار هرچه شدیدتر کارگر است. از نظر چپ سنتی مبارزه علیه مذهب و مردسالاری و ستم به زن موضوعی حاشیه ای و غیر کارگری و غیر طبقاتی است. این منشاء اختلاف فاحشی میان حزب کمونیست

کارگری با این چپ غیر اجتماعی است. همانطور که در بخش اول این نوشته توضیح دادم، طبقه کارگر برای اینکه خود را آزاد کند باید کل جامعه را آزاد کند، باید پرچم خواست های کل جامعه را بلند کند تا کل مردم تحت ستم را پشت سر خود بسیج کند و به رهبر جامعه تبدیل شود. طرح خواست های عمومی جامعه مانند لغو مجازات اعدام، برابری زن و مرد، آزادی بیان و اعتصاب و تشکل، پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات و خواست هایی از این دست که سالها است در قطعنامه های تشکل های کارگری و در سخنرانی ها و بیانیه های رهبران کارگری حتی از درون زندان مطرح میشود، و بلند کردن پرچم تحصیل رایگان و درمان رایگان در اعتصابات سراسری معلمان و تجمعات بازنشستگان لحظات شکوهمندی از پیشروی جنبش کارگری و تحکیم موقعیت کارگر در جامعه است. امروز همه میبینند که کارگر پرچم مطالبات کل جامعه را برافراشته است.

ایجاد پشتوانه بین المللی

کمپین حزب در حمایت از اعتصاب کارگران نفت در زمستان ۱۳۷۵ که به مدت بیش از سه ماه بطول انجامید، عظیم ترین کمپین بین المللی در معرفی طبقه کارگر ایران بود. اسناد این کمپین در کتابی تحت عنوان فقط کارگران میتوانند در ۳۲۰ صفحه منتشر شده است. صدها اتحادیه بزرگ و کشوری و بین المللی در اقصی نقاط جهان به این کمپین پیوستند و جمهوری اسلامی را برای آزادی کارگران دستگیر شده، و برای برسمیت شناسی حق تشکل و اعتصاب و قراردادهای دسته جمعی تحت فشار قرار دادند و این مساله در رسانه های فارسی زبان وقت بارها و بارها منعکس شد. بنابراین آن کمپین بین المللی دفاع از محمود صالحی و بدنبال آن کمپین های متعدد دیگر در سطح بین المللی سازمان داده شد و تصویری واقعی از طبقه کارگر در ایران، مبارزاتش، مطالبات و بی حقوقی ها و آرمان ها و آرزوهایش به طبقه کارگر در سطح جهان داده شد. رسانه های حاکم در

غرب تصویری دروغین از جامعه ایران به خورد مردم داده بودند، مطلقاً از کارگران و مبارزاتشان صحبتی نکرده بودند و تصویری از یک جامعه مذهبی و عقب مانده که جمهوری اسلامی نمایندگی اش میکند به افکار عمومی داده بودند. این تصویر را با کمپین های متعدد و بین المللی در هم شکستیم و طبقه کارگر را در سطح بین المللی معرفی کردیم و حامیان زیادی در سطح بین المللی برای کارگران ایجاد کردیم. بطوری که امروز همین که خبر دستگیری و سرکوب کارگران به سازمان های کارگری در غرب میرسد عکس العمل نشان میدهند، به جمهوری اسلامی اعتراض میکنند، محکوم میکنند و خواهان آزادی کارگران زندانی میشوند. این پشتوانه قابل توجهی برای جنبش کارگری و یک فاکتور تقویت اعتراضات کارگران و تحکیم موقعیت آنها و وزن آنها در جامعه شده است. امروز خوشبختانه کم نیستند رهبران کارگران و معلمانی که در سطح بین المللی شناخته شده هستند و پوشش امنیتی بالایی برای آنها ایجاد شده است.

رسانه ای کردن اعتصابات

اعتصاب و اعتراض کارگر باید همه جا منعکس شود و به گفتمان عمومی در سطح جامعه تبدیل شود. رسانه های وابسته به حکومت و رسانه های دست راستی تا جایی که بتوانند از کارگر حرفی نمیزنند. امروز اما چنان اعتراضات کارگری بر فضای جامعه حاکم شده که کمتر رسانه ای میتواند از کنار آن بگذرد و حرفی نزند. اعتصابات اخیر معلمان و رانندگان و اعتصابات شکوهمند و قدرتمند فولاد و هفت تپه، حتی رسانه های دست راستی را مجبور کرد بارها و بارها در مورد آن صحبت کنند. از اسفند ۸۲ که تلویزیون کانال جدید شروع به کار کرد یعنی در ۱۵ سال اخیر یک بخش قابل ملاحظه برنامه های آن بطور روزمره به انعکاس گزارش اعتصابات و اعتراضات کارگری، دستگیری ها و کمپین ها و مباحث کارگری اختصاص داشته است. این فضای جدیدی و توقعات و انتظارات جدیدی ایجاد کرد. اولین بار در تاریخ ایران بود که تلویزیون با حجم

بیننده میلیونی کارگر را در این ابعاد جلو جامعه گذاشت، با رهبرانشان مصاحبه کرد، چهره کارگران را به جامعه و کل طبقه کارگر نشان داد، رهبران را معرفی کرد، جامعه را به همبستگی با آنها تشویق نمود، مسائل کارگران را به مساله جامعه تبدیل کرد و تاثیرات مهمی بر جنبش کارگری و موقعیت آن در جامعه باقی گذاشت. تحت این فضا بود که ایلنا شروع کرد با انعکاس سر و دم بریده برخی اعتصابات کارگری روایت خودش را به مراجعه کنندگان به سایتش بدهد، عمق اعتراض کارگر را تا جایی که میتواند محدود کند، شوراها را اسلامی را رهبر مبارزات معرفی کند، اعتراض را به چهارچوب مسائل داخل کارخانه محدود کند و با تاکید مشدد روی صنفی بودن اعتصابات تصویری بدهد که گویا اعتراض کارگر به حکومت و قوانین و ارگانهای حکومت مربوط نیست. با اینهمه نفس اینکه تحت فشار اعتراضات کارگران و انعکاس آن در رسانه هایی مثل کانال جدید مجبور به منعکس کردن اعتراضات کارگران شد، نشانه ای از جلو رفتن موقعیت کارگر در جامعه بود. در سال های اخیر میبای اجتماعی هم به تصویر اضافه شد و به سرعت مورد استفاده جامعه و مشخصاً کارگران قرار گرفت. ابتدا معلمان و سپس کارگران مراکز کارگری شروع به استفاده روزافزون از این رسانه جدید کردند، اخبار خود را به سرعت به گوش جامعه رساندند، از این ابزار جدید برای سازماندهی اعتصابات و تجمعات سراسری و غیر سراسری خود استفاده کردند و مهمتر اینکه به کمک میبای اجتماعی شروع به سازماندهی خود کردند و جنبش کارگری را گام بلندی به جلو بردند. میخواهم بگویم که اگر امروز رسانه های دست راستی و حتی برخی روزنامه های حکومتی پای صحبت کارگران می نشینند و گوشه ای از اعتراض کارگر را منعکس میکنند، همانطور که گفته شد این مساله تاریخی دارد که باید آنرا دانست.

آیا کارگران پراکنده اند؟

در ادبیات غالب بر سازمانهای چپ و بدرجات کمتری فعالین

کارگری، تصویری که از طبقه کارگر داده میشود تصویری مربوط به بیست سال قبل است و حتی با تصویر واقعی بیست سال قبل کارگر هم خوانایی ندارد. اینها پیشروی جنبش کارگری را نمیبینند. همان حرف های دو سه دهه قبل را تکرار میکنند. کارگران پراکنده اند! راه حلی هم ندارند بجز تکرار اهمیت اتحاد. انگار کارگر نمیداند اتحاد خوب است. اما آیا واقعا این تصویر واقعی است؟ نه مطلقاً واقعی نیست. روشن است که کارگران در سطح سراسری و حتی در یک شهر یا منطقه نه اتحاد منسجمی ایجاد کرده اند نه تشکلی سراسری دارند که در سطح سراسری کارگران را به عملی فراخوان بدهد. اما آیا این همه واقعیت است و آیا این تصویر کامل است؟

ساده ترین چیز این است که بگوییم کارگران پراکنده اند. نه مکانیزم درونی طبقه کارگر را بشناسیم و نه پیشروی هایش را. در بخش اول نوشته توضیح دادم که کارگران ساختار درونی دارند، رهبران خود و محافل و شبکه های خود را حتی ۴۰ سال قبل داشتند و با اتکا بر همان ها اعتصاب و اعتراض میکردند. هیچوقت و در بدترین شرایط نیز کارگران امتیزه نبوده اند. اما بویژه در ده پانزده سال گذشته کارگران گام های مهمی در زمینه متحد شدن و متشکل شدن برداشته اند. کسی که پیشروی را نبیند فقط درجا نمیزند و حرف های قدیمی اش را تکرار نمیکند، بلکه کارگر را به عقب میبرد. پیشروی اش را به رسمیت نمیشناسد و نمیتواند گام بعدی را ارائه بدهد. اینرا ما نه در دو سه سال گذشته که کارگران در سطح سراسری شروع به اعتصابات سراسری زده اند - در تمام نوشته وقتی از کارگر صحبت میکنم منظورم معلم و بازنشسته و پرستار هم هست - بلکه سالها است داریم تاکید میکنیم. قدم به قدم حرکات کارگران را دنبال کرده و تلاش کرده ایم دستاوردهای این طبقه را تثبیت کنیم تا بتوان گام بعدی را برداشت. چند سال است معلمان دست به تجمعات و اعتصابات سراسری میزنند، بخش هایی از کارگران

سندیکای شرکت واحد و جایگاه مجمع عمومی

از صفحه ۶

کنند. در هر حال شما خواست و مطالبه ای بر حقی را روی میز میگذارید و توجه کارگران را جلب میکنید. جمهوری اسلامی هم در آن موقعیت قدر قدرتی نیست که بایستد و اجازه ندهد. اگر مجمع عمومی تبدیل به یک خواست عمومی در میان کارگران میشد و کارگران التیماتوم میدادند که مثلاً تحصن میکنیم، تجمع و اعتصاب میکنیم، برگزاری مجمع عمومی واقعی را تحمیل میکردند. اینطور نیست که جمهوری اسلامی در یک موقعیت خیلی قوی ای هست و میتوانست مقابل این خواست بایستد. به نظر من اشکال آنجا بود که فعالین سندیکا که واقعا دلشان برای سندیکا میسوزد و میخواهند یک سندیکای واقعی کارگری در شرکت واحد مستحکم شود پای مجمع عمومی نرفتند. و گرنه میتوانستید بسیج کنید، نیرو بگذارید یک حرکتی را حول آن سازمان بدهید و اگر اینرا هم تحمیل نمی کردید دست طرفداران مجمع دولتی و فرمال باز میشد و رسوا میشد و معلوم میشد اینها واقعا طرفدار مجمع عمومی نیستند.

خلیل کیوان: حزب کمونیست کارگری و شما دائما بر شورا و اتکای آن بر مجمع عمومی تاکید داشته اید در این مورد معین آیا اتکای سندیکای کارگران شرکت واحد به مجمع عمومی که شما هم طرح کردید از همین مسئله ناشی میشود که شورا باید بر مجمع عمومی اتکا داشته باشد و در این مورد سندیکا هم؟

حمید تقوایی: تاکید ما بر مجمع عمومی اساسش رجوع به توده کارگر است و یک نقد ما به سندیکاها این هست که ساختمان بوروکراتیکی دارند. شورا با تشکیل منظم مجمع عمومی این ساختمان بوروکراتیک را کنار میزند و مستقیم به رای و نظر کارگران رجوع میکند. در طول جنبش کارگری در تجربه می بینیم که وقتی که اعتصابات و مبارزات اوج گرفته است عملاً کارگران تجمع و مشورت کرده اند

برای اینکه همنظری کنند، جواب کارفرما ها را بدهند، جواب دولت را بدهند. یعنی در عمل مبارزاتی کارگران همواره مجمع عمومی ضرورت خودش را نشان داده است ولی این بحث امروز حتی ناشی از این مکان مجمع عمومی در جنبش کارگری و یا در شوراها نیست. یعنی تاکید ما بر مجمع عمومی به این خاطر نیست که گویا میخواهیم شرکت واحد شورایی بشود. بحث ما این است که در این شرایطی که پیش آمده است، در برابر این اختلاف نظرها، این دسته بندیها که یک عده مخالف این هستند یک عده مخالف آن دیگری هستند و یک عده مخالف هر دو هستند، ما میگوییم مجمع عمومی یعنی رجوع به رای توده کارگران شرکت واحد جواب نهائی است و باید حول تشکیل مجمع عمومی واقعی بسیج کرد و نیرو جمع کرد و اگر جمهوری اسلامی اجازه نمیدهد میبایست حرکتی را براه انداخت گفتمان و جنبشی راه انداخت و آنرا به جمهوری اسلامی تحمیل کرد. همچنانکه شهلا دانشفر گفت در این شرایط کاملاً این عملی است که مجمع واقعی را کارگران شرکت واحد به حکومت تحمیل کنند و آنجا این دسته بندیها، این انشقاقها، این تهمت ها که یک جناح سازشکار است یا آن دیگری سازشکارتر است و یا هر دو جناح با حکومت هستند، این دسته بندیها و مجادلات جمع میشود. تصویری میدهند که گویا جمهوری اسلامی قادر مطلق است و دارد همه چهره های کارگری را در سندیکای واحد اداره میکند و کنترل میکند و توطئه ای در کار هست. واقعیت این نیست. ولی گیریم که اینطور است، راه حل شما چیست؟ آیا راه حل شما این است که از کنار مساله رد شوید و یکدیگر را نقد کنید؟ یکی از رضا شهابی دفاع کند و یکی از سعید ترابیان و یکی به هر دویشان حمله کند؟ راه حل اینها نیست. گیریم که اینطور است که توطئه جمهوری اسلامی پشت قضیه هست ولی مجمع واقعی - زیر این واقعی من

خط تاکید میکشم - مجمع عمومی واقعی، مجمع عمومی فراگیر، مجمع عمومی که آزادانه بتواند بحث کند، بتواند هر کاندیدا آزادانه بخشش را مطرح کند، و بعد رای گیری کند این راه حل است و این میتواند سندیکای شرکت واحد را از این وضعیت فعلی نجات دهد. متأسفانه پای این نرفتند. کسانی هم که واقعا نیت خیری دارند و واقعا میخواهند از کارگران دفاع کنند، واقعا میخواهند سندیکای شرکت واحد قوی باشد و فعال باشد، پای بحث مجمع عمومی نرفتند. چرا؟ میگویند چون "طرفداران خانه کارگر" - حالا از نظر آنها یا بطور واقعی وارد این بحث ما نباید بشویم - موافق مجمع عمومی هستند؛ چون کسانی که مخالف هیئت مدیره فعلی هستند، خط راست دارند، خانه کارگری هستند، در فلان انتخابات به فلان و فلان رای داده اند و غیره مجمع عمومی ای که مطرح میکنند واقعی نیست. این جواب نشد! جواب به کارگران شرکت واحد این نیست که نه به این اعتماد کن نه به آن اعتماد کن خوب پس به کی اعتماد کنند؟ تکلیف سندیکا و هیات مدیره اش بالاخره چه میشود؟ مجمع عمومی واقعی به این سوال پایه ای جواب میدهد. بحث حزب ما از اول این بود. این خرده نگرهائی که میخواهند ما را وارد دعوای داخلی خودشان بکنند، که میگویند شهلا دانشفر پشت این یا آن جناح رفت یا حزب پشت سندیکا سازی دولتی است، اینها سطحی تر از آن است که ما واردش بشویم. اساس بحث حزب از ابتدا و همین امروز هم اینست که برای تقویت سندیکای واحد، برای فایق آمدن به انشقاق ها، برای زدن خط شورای اسلامی و خانه کارگری و حکومتی در شرکت واحد راه حل مجمع عمومی است. باید مجمع عمومی واقعی و فراگیر کارگران را تشکیل داد و به این وضعیت خاتمه داد.

خلیل کیوان: بالاخره مجمع عمومی تشکیل شد و به نوعی رفتند و در پایانه ها رای گیری کردند ولی این مجمع عمومی و ظاهر آن مجمع عمومی که شما

فراخوان دادید که مجمع عمومی واقعی باشد نگرفت. الان باید چکار کرد؟ شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید در سندیکای واحد مجمع عمومی به معنای واقعی اش و به معنایی که ما تاکید داشتیم برپا نشد. در دل این جنگ و جدال کارگر حضور پیدا نکرد. بنابراین امکان اعمال اراده توده کارگر شرکت واحد فراهم نشد. بلکه تعداد محدود و انگشت شماری رفتند و شرکت کردند و اسمش را مجمع عمومی گذاشتند. در واقع هیات مدیره کنونی و همه کسانی که تحت عنوان جنگ با "سندیکاسازی دولتی" شمشیر میزدند، خود قدمی برای دخالت دادن خود کارگران بر نداشتند و عملاً کار را سپردند دست همان کسانی که به آن میگویند خانه کارگری. آنها هم رفتند توی پایانه ها رای گرفتند تا به خودشان مشروعیت دهند. پایانه که نشد مجمع عمومی!

اگر قرار بود رای گیری در پایانه ها صورت گیرد، خوب باید شرایط تشکیل مجمع عمومی پایانه ها فراهم میشد، همه کارگران از قبل خبردار میشدند و مثلاً اعلام میشد که مجمع پایانه ۴ یا ۶ و یا ده فلان زمان معین تشکیل میشود و همه جا اعلام میشد و لیست گرفته میشد. نه اینکه عده ای بروند و صندوق بچرخانند و کار را تمام شده بدانند. این را کارگران نمی پذیرند و نباید هم سنت شود.

همانطور که حمید تقوایی گفتند آنوقت مجمع عمومی با آن عظمت و حضورش، با اعمال و اراده و قدرتش نقش ایفا میکرد و نمایندگان خود را انتخاب میکرد و میخ خود را میکوبید. ممکن بود هیچکدام از اینها هم انتخاب نمی شدند. چرا که امروز جنبش کارگری هر روز چپ تر و رادیکالتر به جلو قدم بر میدارد و رهبران جدیدی را جلوی صف قرار میدهد. خلاصه کلام اینکه راه حل همان بود که تاکید کردم. راه حل سندیکا برگزاری مجمع عمومی واقعی کارگران بود. و این اتفاق نیفتاد. در هر حال انشقاق صورت گرفته است. الان هم راه حل همین است. راه حل اینست که هر رهبر کارگری

سندیکای واحد بیاید جلو و پرچم مجمع عمومی کارگری را بدست بگیرد و فراخوان بدهد و بخواهد در تمام قرارگاههای اتوبوسرانی شرکت واحد مجامع عمومی برگزار شود و همه کارگران بیایند و شرکت کنند و تلاش کنند تکلیف کل این ماجرا ها را آنجا یکسره کنند. به نظر من این راه نجات سندیکای واحد است.

خلیل کیوان: به هر حال شکلی از مجمع عمومی به شکل فرمال تشکیل شد. آیا همین مسئله باعث نمی شود که مخالفین برگزاری مجمع عمومی، کسانی که میگویند که مجمع عمومی پروژه خانه کارگری است، اینها در موضعشان حق داشتند؟ البته اشاره کردید میخواهم بیشتر توضیح دهید.

حمید تقوایی: به هیچ وجه اینطور نیست بخاطر اینکه این باصطلاح مجمع عمومی ای که برگزار شد مجمع عمومی واقعی نبود. مهم این است که میتوانست باشد و نبود برای اینکه آن کسانی که واقعا دلشان برای سندیکای واحد میسوزد و میخواهند نمایندگان واقعی کارگران انتخاب شوند پشت آن نرفتند. به جناح مقابل گفتند خانه کارگری و عملاً کار را دست آنها دادند و آنها هم که میخواهند همین کار را بکنند یک مجمع عمومی فرمال برگزار کردند. ولی آنقدر کوچک بود که انتخاباتی هم نکردند. صندوقی را برداشتند و یک جناح کاندیدهای خودش را برد توی کارگران و رای آورد. این رای مشروعیتی ندارد. حتی در انتخابات خارج از مجمع عمومی هم میبایست جناح های مختلف لیست بدهند، کاندید معرفی کنند، سیاستهای مورد نظرشان را تبلیغ کنند و همانطور که شهلا دانشفر گفت در پایانه ها نوعی مجمع عمومی آن پایانه را تشکیل بدهند. اینکه شما صندوق را بر میدارید و در حالی که جناح مقابل بایکوت کرده و شرکت نکرده رای جمع میکنید این انتخابات نشد. اتفاقی که حالا افتاده اینست که آن انشقاقی که بود رسمیت پیدا کرده است. آن کسانی که ظاهراً در مقابل جناح مقابل با این استدلال که گویا

سندیکای شرکت واحد و جایگاه مجمع عمومی

از صفحه ۸

مجمع عمومی خواست خانه کارگریهاست در آن شرکت نکردند عملا کار را بدست همانها داده اند. حالا منتخبین مدعی میشوند که رای کارگران پشت ماست، هیئت مدیره قبلی کنار رفته است و ما آمده ایم و مشروعیت داریم. و آن خط که فکر میکرد برگزاری مجمع عمومی کار خط خانه کارگری ها است رانده شده است به اپوزیسیون. حالا که بزعم آنها خانه کارگری ها آمده اند و صندلی هیئت مدیره را گرفته اند ناگزیرند از يك موضع ضعیف تری جدل و مقابله کنند. راه حل همین حالا چیست؟ این است که مجمع عمومی واقعی کارگران شرکت واحد، فراگیر، آزاد، بدون دخالت گریها و سنگ اندازیهای خانه کارگریها و غیره تشکیل شود. اگر فوری این انجام نمیشود باید فوراً حرکتی را حول این خواست سازمان داد. بنظر من شرکت واحد باید با پرچم مجمع عمومی واقعی به جنگ وضعیتی برود که بوجود آمده است. مجمع عمومی واقعی،

مجمع عمومی فراگیر، مجمع عمومی که همه کارگران شرکت واحد در آن شرکت داشته باشند و نمایندگی بشوند و بتوانند نمایندگان خودشان را انتخاب کنند. در آن مجمع عمومی است که میشود بحث های خطی و جناحی را هم مطرح کرد. من نمیگویم که خط و خطوط و گرایش مختلف وجود ندارد و همه نمایندگان همجهت هستند، همه گرایشات کارگران را نمایندگی میکنند و غیره. به هیچ وجه اینطور نیست. ولی چه ارگانی باید این را تشخیص بدهد؟ جدل میکنید، بحث نظری میکنید، و همه را قانع میکنید؟ این کار را هم بکنید، اینهم بجاست که نشان بدهید که فلانی راست است و فلانی چپ است، ولی در نهایت باید مجمع عمومی انتخاب کند و رای مجمع عمومی ملاک است. هیچ ملاک دیگری نداریم. اقلان و بحث سیاسی و جدل جایگاه خودش را دارد ولی این که انتخابات نمی شود. باید مجمع عمومی تشکیل

داد. اگر واقعا کسی در دفاع از کارگران بحث رادیکال و چپی دارد مطمئن باشید مجمع عمومی واقعی آن را انتخاب خواهد کرد. بخصوص در این شرایط که جمهوری اسلامی و خانه کارگرش واقعا به موضع ضعف و دفاعی افتاده است. بنابراین همین امروز هم راه حل همچنان تشکیل مجمع عمومی و سازمان دادن يك حرکت گسترده است با پرچم مجمع عمومی واقعی و فراگیر کارگران. بنظر من باید فعالین بخشهای دیگر جنبش کارگری بروند پشت این حرکت. موضوع فقط به شرکت واحد محدود نیست. همه نهادها و بخشهای دیگر کارگری و همه چهره های جنبش کارگری باید این پرچم را بلند کنند. باید بگویند تجمعی که برگزار شد قبول نیست. این تجمع مجمع عمومی نبود. این انتخابات قبول نیست. باید مجمع عمومی واقعی را برگزار کنیم و انتخاباتی انجام بشود که نمایندگان واقعی کارگران برای هیئت مدیره سندیکا انتخاب شوند.

خلیل کیوان: شما از برگزاری مجمع عمومی دفاع کردید. يك عده ای

میگویند که به این ترتیب شما با هیئت مدیره فعلی مخالفت کردید، در این مورد چه توضیحی دارید؟ شهلا دانشفر: ما با هیئت مدیره فعلی مخالفت نکردیم. ما در رابطه با بن بست که سندیکای واحد در آن گیر کرده بود و در مقابل هم ایستاده بودند، راه حل نشان دادیم و گفتیم جنگ را ببرید به مجمع عمومی. آنوقت ممکن هم بود که همین مدیره دوباره انتخاب میشد و یا نه هیئت مدیره دیگری تعیین میشد. ما گفتیم راه حل این بن بست مجمع عمومی است و اتفاق کل این اتفاقات در سندیکای واحد نشان داد که جایگاه مجمع عمومی کجاست؟ نشان داد حتی سندیکاهای کارگری برای اینکه بتوانند کارگران را نمایندگی کنند، برای اینکه بتوانند جلوی توطئه گری ها را بگیرند باید به مجمع عمومی و اعمال اراده خود کارگران متکی باشند. به ویژه در شرایط ایران جایگاه مجمع عمومی برجسته تر میشود. جامعه ای که اینچنین از اعتراض میجوشد و توده کارگر میخواهد که دخالتگر باشد، مجمع عمومی مکان این

دخالتگری و عمل مستقیم کارگری است. جنبش کارگری رادیکالیسمش را از همین دخالتگری کارگری میگیرد. حتی از همین طریق مبارزات کارگری قدرت میگیرد و به لحاظ امنیتی توان مقابله اش با سرکوبگریها بیشتر میشود. بنابراین این حرفهایی که میزنند پوچ و سطحی هستند.

خلیل کیوان: از حمید تقوایی پرسیدم الان باید چه کار کرد و میخواهم همین سوال را از شما پرسیم. الان چه باید کرد؟ شهلا دانشفر: من توی صحبتهای قبلی هم گفتم که چه باید کرد. الان هم راه نجات تشکیل مجمع عمومی و متکی کردن سندیکای واحد به آن هست. انکا به مجمع عمومی و شورای منتخب کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه را از این دست انداز ها نجات داده است. در سندیکای واحد هم باید همین راه را رفت. تجربه نیشکر هفت تپه راه جلوی پای سندیکای واحد گذاشته است. باید این تجربه را ارج گذاشت و بکار گرفت.

حزب کمونیست کارگری و جنبش کارگری

از صفحه ۷

هفت تپه صورت گرفته و یا دو سال قبل با کارگران آتش نشانی صورت گرفت گوشه های دیگری از قدم های طبقه کارگر بطرف متحد شدن نیست؟ باید به نقش چهره های سرشناس جنبش کارگری هم اشاره کرد که به اشکال مختلف کل طبقه را نمایندگی و سخنگویی میکنند. طرح خواست های سراسری توسط معلمان و بخش های دیگری از کارگران همه و همه نشانه های مهمی از تلاش برای متحد شدن است. اینها شاخص های مهمی هستند که نتایج مهمی نیز برای متشکل شدن در ابعاد سراسری دارند بیار میاورند و گام های بعدی اتفاقاً بر اساس این مولفه ها برداشته میشود. برخی جریانات الگوهای از پیشی برای اتحاد دارند و چون کارگران مطابق این الگوها حرکت نکرده اند در ذهنیت آنها همچنان در وضعیت سی سال قبل به سر میبرند. میگویند این قبول نیست! شما همچنان پراکنده اید! راه حلی نیز که

این جریانات برای اتحاد کارگران و متشکل شدن کارگران مطرح میکنند نیز ربطی به واقعیت ندارد. اینها ضعف و ناتوانی خود را به کارگران نسبت میدهند، در این پیشروی ها خود را شریک نمیدانند و آنرا به رسمیت نمی شناسند چون مطابق الگوهای ذهنی آنها نیست. اما طبقه کارگر با گام های استوار دارد جلو میرود، دارد متحد میشود و البته گام های مهمتری در پیش دارد. ولی تا همین جا را باید به رسمیت شناخت تا بتوان آنرا تثبیت کرد و بر اساس آن قدم های آینده را برداشت.

يك نکته مهم دیگر مساله تشکلیابی است که خود بحث مفصلی است و در نوشته دیگری به آن خواهم پرداخت. اما همینقدر اشاره کنم که تشکلیابی کارگران در سطح محلی و سراسری نیز در ادامه همین پیشروی ها دارد صورت

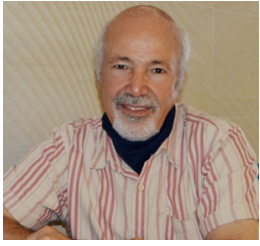
میگیرد. کارگران قدم های مهمی نیز در این زمینه برداشته اند. تك تك مولفه هایی که اشاره کردم از فاکتور بین المللی تا نقش خانواده ها و رهبران کارگری، تشکلیابی موجود، رسانه ها و مدیای اجتماعی، مطالبات سراسری و اعتصابات سراسری، مولفه های مهم ایجاد تشکلیابی محلی و سراسری کارگرانند. فعالین و رهبران کارگری باید بدقت ببینند امروز جنبش کارگری کجا ایستاده است، پیشروی هایش چه بوده است و به چه مسائلی باید همچنان تاکید کنند تا راه پیشروی بعدی را بدرست بشناسد. اینرا در مقاله دیگری به تفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد.

جنبش کارگری امروز شباهتی با جنبش کارگری در دهه هفتاد و هشتاد ندارد. تلاش من این بود که مولفه های این پیشروی و در عین حال تفاوت های خود را با جریانات

دیگر توضیح بدهم. حزب کمونیست کارگری عمیقاً خود را در این پیشروی شریک میدانند. و به همین دلیل پیشروی های طبقه کارگر همراه است با تحکیم موقعیت کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری. امروز کارگر به چنان وزنه ای در جامعه تبدیل شده است که گفتمان های جامعه را عوض کرده است. چشم ها بیش از هر زمان به طرف کارگر و قدرت آن چرخیده و جریانات ملی اسلامی و دست راستی را به حاشیه رانده است. به همین اعتبار حزب کمونیست کارگری موقعیت بسیار متفاوتی در جنبش کارگری و در جامعه یافته است و این يك اتفاق مهم و تاریخی در جامعه ایران است. بر چنین متنی امروز گام های بسیار بزرگتر و پیشروی های بسیار اساسی تر امکانپذیر شده است.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

ما مسبب انزوای رضا مقدم نیستیم



نشان دهد؟ مطلقاً نه. چون وجود ندارد. اما دهانش را باز میکند و تصویری را که خود در خلوت خود با کینه توزی ساخته است بیرون میریزد و شرم و مسئولیت و اماتنداری ای هم در قبال مخاطبش وجود ندارد. یاد نمی آید که رضا مقدم یک بار سیاستهای راست اسانلو را وقتی که از قانون کار حکومت و خانه کارگر و انتخابات حکومتی و غیره دفاع میکرد نقد کرده باشد. ما در عین حال وقتی که اسانلو در زندان بود برای آزادی او تلاش کردیم و اینهم جزو پرنسپب ماست که از آزادی همه زندانیان سیاسی مستقل از اینکه با آنها اختلافی داریم یا نداریم دفاع میکنیم. به همین دلیل از آزادی رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و هرفعالی کارگری و سیاسی هم وقتی که در زندان بودند فعالانه دفاع کرده ایم و باز هم خواهیم کرد. فقط یک جریان حاشیای بی ربط به جامعه و بی ربط به جنبش کارگری میتواند اینچنین غیر مسئولانه احکام بی پایه و کذب را علیه یک حزب چپ و کمونیست ردیف کند و از اینکه دارد دروغ میگوید خم به ابرو نیآورد. رضا مقدم نیاز به فاکت ندارد. نیاز به حقیقت ندارد. او گویی یک انبان پر از عقده های گذشته نسبت به حزب کمونیست کارگری است و سر هر بزنگاهی مقادیری را بنام "تحلیل" بیرون میریزد و فضا را مسموم میکند. و بازهم متوجه نمیشود که علت انزوا و تنهاییش چیست.

"چرخش به چپ!"

در این ویدئو این تحلیل هم از رضا مقدم بروز میکند که از دی ماه ۹۶ مساله آلترناتیو آینده روی میز آمد و جنبشهای اجتماعی برخی به چپ و برخی به راست چرخیدند و گویا ایشان از آن جنبشهایی هستند که به چپ چرخیده اند. میدانید این تحلیل از کجا می آید؟ حقیقت اینست که تا دی ماه ۹۶ رضا مقدم هنوز فکر

آن جمله میتوان محمود صالحی و واله زمانی را نام برد. رضا مقدم جرات نمیکند اینها را هم دست در دست آمینتی ها قلمداد کند و در نتیجه بطور مشخص کار محمود صالحی را اینطور توضیح میدهد که "محمود صالحی اشتباهها به این دام افتاده است" اما فوراً این تهدید را هم میکند که اگر ادامه دهد دیگر اشتباه نیست. یعنی ایشان همین انگهای کثیف را به سوی او هم پرتاب خواهد کرد. افاضات و لجن پراکنی ها و انگهای امنیتی و امثال اینها که رضا مقدم به سوی حزب کمونیست کارگری پرتاب کرده زیاد است. سناریوی جعلی: حزب و سندیکای واحد دفاع از آزادی این که حزب گویا به جناح اسانلو در سندیکای واحد سمپاتی دارد و داشته نیز از آن ادعاهای بیمارگونه ایست که با هزار فاکت میشود جعلی بودن و بی پایه بودن آنرا نشان داد. رضا مقدم میگوید تا زمانی که اسانلو و ترابیان و میرزایی در راس سندیکا بودند طرفداران حزب با سندیکا خوب بودند. اکنون هم میخواهند همین جناح را حال بلون اسانلو سرکار بکشند و به این دلیل از مجمع عمومی دفاع میکنند! این فقط زحربالائی است که از ذهن بیمار رضا مقدم بیرون می آید. همانطور که اشاره کردم ما همیشه بنا به اصول برنامه ای مان از مجمع عمومی و تصمیم گیری توده کارگران دفاع کرده ایم. در مورد اسانلو و جناح او هم اتفاقاً عکس آنچه را که این آدم میگوید میتوان با صدها فاکت نشان داد. واقعا کدام جریان بیش از حزب کمونیست کارگری وقتی اسانلو سیاستهای راست و توده ایستیش را بیرون ریخت او را نقد کرد؟ شهلا دانشفر، خود من و رفقای دیگری نوشته های متعددی در نقد سیاستهای اسانلو و در دفاع از رادیکالیسم و چپ در جنبش کارگری نوشته ایم که میتوان در جای خود آنها را بعنوان شواهد نشان داد. آیا رضا مقدم میتواند يك تك جمله در دفاع از سیاستهای اسانلو از جانب حزب پیدا کند و

عمیق خود را نسبت به حزب کمونیست کارگری و رهبران آن با منتهای جعل و دروغ پردازی بیرون میریزد و از این که ما از برگزاری مجمع عمومی اعضا در سندیکای واحد دفاع کرده ایم بارها ادعا میکند که حزب کمونیست کارگری دست در دست نیروهای امنیتی دارد. این ادعای سخیف در مورد حزبی که فعالترین جریان علیه تمام جناحها و نهادهای جمهوری اسلامی است واقعا بدور از ابتدایی ترین شرافتمندی سیاسی است. تطهیر شوراهای اسلامی او در جواب سوالی که آیا دفاع حزب کمونیست کارگری به دلیل سیاستهای همیشگی این حزب در دفاع از مجمع عمومی نیست، جواب میدهد که "تخیر. اگر این حزب از مجمع عمومی دفاع میکند چرا از شوراهای اسلامی دفاع نمیکند! زیرا شوراهای اسلامی هم متکی به مجمع عمومی هستند". واقعا انسان از این همه تعفن سیاسی در حیرت میماند. او حاضر است شوراهای کثیف اسلامی را تشکیلی متکی به مجمع عمومی توده کارگران قلمداد کند تا لگنی نثار حزب کمونیست کارگری کرده باشد. و این منتهای زدالت و سمپاشی نه فقط علیه حزب بلکه علیه کارگران و سنتهای جمعی است. چه کسی گفته است که شوراهای اسلامی متکی به مجمع عمومی هستند؟ این ها ارگانهای جاسوسی هستند و تنها و تنها متکی به دستورات از مقامات حکومت اسلامی هستند. نه از مجمع عمومی. این را همه دنیا میدانند. اما رضا مقدم این ادعای زشت را که حتی يك تك نفر انسان شریف در این دنیا به آن اعتقاد ندارد را پیش میکشد تا نشان دهد که حزب کمونیست کارگری طرفدار مجمع عمومی نیست بلکه میخواهد يك جناح راست و امنیتی در سندیکای واحد را جلو بکشد. رضا مقدم میدانند که از فعالین شناخته شده جنبش کارگری چندین نفر از برگزاری مجمع عمومی سندیکای واحد دفاع کرده اند که از

دفاع کرد؟ آیا بدیهی ترین موضعی که حزبی مثل حزب کمونیست کارگری میتوانست بگیرد که همیشه از بدو تشکیلش مدافع اصولی مجمع عمومی بوده است، این نیست که امروز در این بحث و اختلاف هم از مجمع عمومی دفاع کنی؟ رضا مقدم چه میگوید؟ رضا مقدم یکی از کسانی است که فوراً در این مورد نیز سراز لاگ خود بدرآورد و شروع به در افشانی از نوع خود کرد. رضا مقدم یکی از مدعیان پرمدعا و تنها مانده جنبش کارگری است. براستی فکر میکردم رضا مقدم در سالهای اخیر با چرخیدن به سمت سرنگونی طلبی و شکست و بن بست ارزیابی بی پایه اش در مورد دوم خرداد که برخی را در ادامه اشاره میکنم، کینه و دشمنیش با حزب هم کاهش یابد. اما لجن پراکنیهای ماههای اخیرش علیه حزب نشان میدهد که خصومت و نفرت پراکنی او پایان ندارد. دلیلش قطعاً اینست که حزب کمونیست کارگری را بانی انزوا و شکستش میدانند. او از حزب رفت و ادعا کرد که بزودی حزبی کمونیستی و کارگری خواهد ساخت. اما هرچه زمان گذشت بیشتر و بیشتر منزوی و تنها ماند و در لاگ خویش فرو رفت. اما این را نمیفهمد که ما مقصر تنها ماندن و انزوای او و هیچ کس دیگری نیستیم و از جدایی او از حزب حدود بیست سال گذشته است و اگر او هنوز بعد از این همه سال تنها و منزوی و بدون تشکیلات و حزب است و مدام تنها تر شده است، دیگر باید برای خود او هم روش باشد که مقصر نمیتواند حزب کمونیست کارگری باشد.

بهر رو رضا مقدم تلاش میکند از آب گل آلود اختلاف در سندیکای واحد ماهی بگیرد و تمام کینه خود نسبت به حزب را بیرون بریزد و مثل همیشه به عبث امیدوار باشد که این کشاکش به زیان حزب تمام خواهد شد و در حزب انشقاق ایجاد خواهد کرد" و در این میان شاید از این نمذ کلاهی هم نصیب ایشان شود. او در يك کلیپ ویدئویی کینه و نفرت

کاظم نیکخواه

بحث و کشاکش در درون سندیکای شرکت واحد بر سر تشکیل یا عدم تشکیل مجمع عمومی و غیره، بازتاب گسترده ای در جامعه پیدا کرده است. هرکس به فراخور حال جانبی را گرفته است. ما بعنوان حزب کمونیست کارگری در نوشته ها و بحثهای متعددی اعلام کردیم که در بحثها و اتهام زنی هایی که طرفین در سندیکای واحد علیه یکدیگر مطرح میکنند جانب هیچکدام را نمیگیریم و این نوع اتهامات را به زیان جنبش کارگری میدانیم. ما تاکید کردیم که راه برون رفت از این موقعیت مراجعه به توده کارگران یعنی مجمع عمومی اعضا است و این مجمع میتواند نمایندگان راستین کارگران را انتخاب کند و به طرفین و به هر فعال کارگری در سندیکای واحد که دلسوز تشکل کارگران و سندیکای واحد است فراخوان دادیم که اگر میخواهید سندیکای واحد از این وضعیت و شکاف خلاص شود ابتکار تشکیل مجمع عمومی را خود بدست گیرید و توده اعضا را به جمع و نظر دهی و تصمیم گیری فرا بخوانید و قاعدتاً اینجاست که میشود هر توطئه ای را افشا کرد و هرکس را که ریگی در کفش دارد از توطئه گری بازداشت. روشن است که این موضع که قبل از آن هم برخی فعالین شناخته شده کارگری اتخاذ کردند در واقع موضع سوم است و با هیچکدام از موضعگیریهای طرفین این کشاکش یکی نیست. اما برخی جریانها و افراد فرصت را غنیمت شمردند تا کینه و نفرت و خصومت خود علیه حزب را بیرون بریزند و با وقاحت و باید گفت با شارلاتانیسم حزبی را که بدون اغراق بیش از هر جریان دیگری علیه حکومت و همه جناحهایش تلاش و مبارزه کرده، کنار جریان امنیتی و امثال اینها قرار دهند. سوال اینست که آیا هرکس ناچار است در این بحث و جمل حتماً جانب یکی را بگیرد؟ آیا نمیشود در مارکها و انگههایی که طرفین به هم میزنند سهیم نشد و از مجمع عمومی یعنی تصمیم توده اعضا

رئیس بانک مرکزی، از تعیین نرخ ارز در کوچه پس کوچه ها تا معافیت ۶ هزار صادرکننده!

محمد شکوهی



بانک مرکزی و دولت جهت گیری اش افزایش درآمدهای ریالی برای دولت به بهانه تامین هزینه های سیاسی می باشد. بر همین اساس هر سیاستی که دولت و بانک مرکزی اتخاذ می کنند بر اساس این است که چقدر درآمد نصیبشان میشود. یک مورد مشخص این سیاستها تبانی و پیوند صادرکنندگان محصولات نفتی، گاز و پتروشیمی و... می باشد که دولت به اینها ارز دولتی برای راه اندازی صادراتشان می دهد.

اشاره همتی به ۲۵۰ صادرکننده که ارز دولتی گرفتند و ارز حاصل از صادراتشان را به خزانه بانک مرکزی برنگردانند، خود گواه وجود مافیای ارزی که هر دو طرف سهم در این ماجرا به خوبی همه شان را می شناسند، می باشند. این صادرکنندگان از همکاران بانک مرکزی و دولت بویژه در صنعت نفت و گاز و شیمی می باشند.

نکته سوم موضوع "معافیت ها" برای برخی صادرکنندگان. چند ماه پیش بانک مرکزی طی بخشنامه ای اعلام کرد: "کسانی که زیر یک میلیون یورو صادرات دارند از ورود به نیمه معاف هستند و از این طریق برای ۶ هزار نفر معافیت ایجاد شد که می توانند به سامانه سنا وارد و آنهایی که از یک تا ۳ میلیون یورو صادرات دارند بالای یک میلیون یورو باید به نیمه بیاید و ارقام بالاتر از آن نیز مشخص شده است."

اینها تازه ترین اظهارات رئیس بانک مرکزی پیرامون سیاستهای ارزی و پولی حکومت می باشد. چند نکته پیرامون سخنان رئیس بانک مرکزی حکومت. اول موضوع "تعیین نرخ ارز در کوچه و پس کوچه ها". وی رسماً تأیید کرده همه سیاستهایی که دولت و بانک مرکزی تعیین و اعلام کرده نتوانسته است نقش مافیای ارزی در بالابردن قیمت روزانه ارزهای خارجی را در کوچه و خیابان و یا آنچه این جناب به آن بازار آزاد ارز اطلاق می کند، جلوگیری نماید. در حقیقت بانک مرکزی، باندهای قدرتمند مافیای ارزی و دلالت آن که یک سرشان به بانک مرکزی و دولت و سر دیگرشان به بیت رهبری و نهادهای نظامی و امنیتی وصل است، از سازماندهندگان بازار قاچاق ارز در کوچه و خیابان بوده و از قبل آن روزانه میلیاردها تومان درآمد دارند. بانک مرکزی از طریق مافیای ارزی هر روز در بازار ارز مداخله کرده و قیمتها را دستکاری کرده و روزانه میلیاردها تومان سود نصیبش میشود. نکته دوم اساس سیاستهای ارزی

ما مسبب انزوای رضا مقدم .. از صفحه ۱۰

میگرد که دوم خرداد یا بقول او "جنبش اصلاحات" پیروز خواهد شد و جمهوری اسلامی خود را تثبیت میکند. با خیزش دی ماه ضربه ای به مغز ایشان وارد شد و متوجه شدند که سالها در گمراهی بوده اند. رضا مقدم قبل از دی ماه طی سالها به همراه رهبر سابقش ایرج آذرین ارزیابی شان این بود که جنبش کارگری شدیداً غیر متشکل و دفاعی است و هیچ تهدیدی برای بورژوازی و جمهوری اسلامی نیست. میگفتند "لیبرالیسم که منظورشان همان دوم خرداد بود تمام اقدار و طبقات جامعه را پشت سر خود دارد"، میگفتند "جمهوری اسلامی به سمت تثبیت و استحکام میرود" و در نتیجه کاری نمیشود کرد جز اینکه "کارگر باید از جناحهایی از سرمایه در مقابل جناح دیگر دفاع کند و وزن سیاسی خود را پشت سر یک جناح از بورژوازی بیندازد" (بنقل از جزوه چشم انداز و تکالیف نوشته ایرج آذرین و رضا مقدم) منظور اینها این بود که باید از دوم خرداد حمایت کرد. اما وقتی که دیدند همان تعداد معدود همراهانشان هم با این بحثهای راست و ارتجاعی بسرعت پراکنده شدند و تنهایشان گذاشتند به پیله خود رفتند و بعد از مدتی کویل رضا مقدم - ایرج آذرین هم از هم وافت و به دو تک نفر مجزا تبدیل شد. بعد از خیزش دی ماه او به نحو خزنده ای به سمت سرنگونی طلبی چرخید اما بروی مبارک نیارود که ادعاهای قبلیش در مورد "تثبیت حکومت" و "بی تأثیری جنبش کارگری" و جایگاه مسلط دوم خرداد در جامعه و غیره را نقد کند یا حداقل توضیحی در مورد چرخش خود بدهد. چنین انتظاری از اینها بیهوده است. (موضعگیریهایی اینها را من همان زمان یعنی در سال ۲۰۰۷ در نوشته ای سه قسمتی تحت عنوان "اولین نمایان جنبش اصلاحات" مفصلاً نقد و افشا کرده ام و در نشریات حزب چاپ شده است) حال کسی که به کارگران فراخوان میداده است که کارگر باید وزنش را پشت یک جناح علیه جناح دیگر بیندازد، با وقاحت آمده است و

بازرگانی و دولت و گمک "تنظیم" می کنند. همه ثبت واردات شان هم طبق توافق طرف های درگیر زیر یک میلیون یورو می باشد که شامل معافیت های ویژه می باشد. یک بخش عظیم این شرکت های صوری در دست سیاه، سیخ، نهادهای امنیتی و ارگانهای دور ویر بیت رهبری می باشد. در لیست اقلام وارداتی شرکت های مذکور که شامل معافیت های ویژه می باشند؛ موارد زیر را میتوان دید: واردات ۱۶۰ تن کود انسانی؛ میلیونها دلار دهها میلیون دلار پتو، توتون قلیان، کراوات به ارزش دهها میلیون دلار، بیبل و کلنگ سنگ پا، ۱۰ تن زیپ، ۸۳۰ تن مداد تراش و تیغه، ۲۴۷ تن مداد پاکن، واکس کفش و ...

سیاستهای بانک مرکزی و دولت اساساً در جهت کسب درآمدهای بیشتر و سودهای کلان بویژه، رسمیت دادن به مافیای ارز و کالا از آغاز بحران ارزی حکومت می باشد. آنچه در ماههای اخیر و در جریان جهش قیمت دلار شاهدش بودیم، یک سیاست رسمی و هدایت شده بانک مرکزی و دولت برای درآمد زایی از قبل بالابردن قیمت ارزهای خارجی بوده است. اثرات و تبعات این سیاستها در زندگی روزمره مردم قابل مشاهده است. قدرت خرید مردم بیش از ۷۰ درصد در مقایسه با یک سال قبل سقوط کرده، گرانی کالاهای اساسی نسبت به ۶ ماهه قبل افزایش بین ۳۰ تا ۱۰۰ درصدی داشته است سقوط ارزش پول حکومت ادامه دارد. دهها مورد کالاها اساسی و نیازهای روزمره

ادعا میکند که حزب کمونیست کارگری که رادیکال ترین و سرنگونی طلب ترین حزب در سیاست ایران است و هیچگاه توهمی نسبت به هیچ جناح و دار و دسته حکومتی نداشته است، بدنبال امنیتی ها روان شده است! واقعا دریغ از یک جو امانتداری و شرافتمندی سیاسی و حقیقت گویی! ادعا های سخیف و بی پایه و انگ زدنهای غیر سیاسی در ویدئوی اخیر رضا مقدم بسیار است و واقعا ارزش پاسخگویی ندارد. او به شیوه ای بسیار نازل نقد صمیمانه سخنان رضا شهبانی توسط شهلا دانشفر در سال گذشته وقتی که در خارج کشور علیه چپ سخنانی ایراد کرده بود را به نحو بسیار نازل و زشتی تزلزل میدهد و میگوید "به او گفتند ما باعث شدیم تو آزاد شوی بنابراین ساکت شو! دهانت را ببند!" این نوع دو بهم زنیهای خفیف و حقیرانه فقط از کسی بر می آید که به سیم آخر زده است و فقط میخواهد فضا را مسموم کند و خود را نیازمند توضیح به کسی نمیداند. نکات و ادعاهای بی پایه در ویدئوی رضا مقدم علیه حزب بسیار است و اینجا فقط به چند مورد معدود اشاره کردم. نکته اصلی اینست که ما تأکید کرده ایم که در کشاکش و اختلافاتی که در سندیکیای واحد پیش آمده است رجوع به توده اعضا را درست ترین و واقعی ترین و اصولی ترین تصمیم میدانیم و بنظر ما هرکس که بخواهد به تخفیف این بحران کمک کند باید همین موضع و جهت گیری را اتخاذ کند. نباید به این بهانه یا به این دلیل که کسانی که فراخوان مجمع عمومی را داده اند کارنامه خوبی گویا ندارند جلوی مجمع عمومی ایستاد. داور یک تشکل توده ای کارگری خود کارگراند نه کس دیگری. با برگزاری مجمع عمومی اعضاست که میتوان هر توطئه ای را خنثی کرد و افراد صلاحیت دار را به راس سندیکا انتخاب کرد. دور زدن این مسیر با ادعای اینکه طرف مقابل از امنیتی ها دستور گرفته و غیره به جای خوبی منجر نشده و نخواهد شد. باید تلاش کنیم که این جو مسموم هرچه سریعتر خاتمه یابد. ۱۲ نوامبر

یک هفته سکولار در برلین

مصاحبه کیوان جاوید با مینا احدی



میشود.

ولی اتفاقاً يك بخش عظیمی از مردم بخصوص در آلمان و یا در اروپا من می بینم که خیلی اومانیست هستند. از جهانشمولی حقوق انسانی دفاع میکنند، از اینکه جهان وطن من است. ما تا حدی که در توانمان هست داریم سعی می کنیم يك جواب انسانی، يك جواب انترناسیونالیستی به مشکلات و از جمله به معضل پناهندگی بدهیم.

کیوان جاوید: آیا با سرنگونی حکومت اسلامی میتوان امیدوار بود که در غرب هم این قدرت گیری چپ و سقوط جنبش اسلامی تاثیر داشته باشد برای رشد جریانات کمونیستی. شما اینرا چگونه می بینید.

مینا احدی: خب طبعاً خود این جوامع و خود این مردم و جوانهای اینجا ساکت ننشسته اند. کارگران و رهبران جنبش های اجتماعی و بویژه دانشجویان و جوانان در همین آلمان و اروپا دارند بررسی و چالش میکنند که پاسخ درست به معضلات امروز دنیا چیست. دانشگاه ماربورگ که دریک شهر خیلی کوچکی است، نمونه ای بود از این فضای فکری که ۳۰۰ نفر در يك کنفرانس علیه راسیسم و اسلامیسیم شرکت کرده و با علاقه به مباحث گوش دادند. يك جوان در همان کنفرانس گفت ما هم بدنبال يك استراتژی نوین هستیم که کمونیسمی را بیاوریم که هم علیه اسلامیسیم و هم علیه فاشیسم هست و در عین حال از حقوق انسانی دفاع می کنه و خود را در مقابل جریانات چپ سنتی که فرضا در آلمان هستند، تعریف میکند.

در آلمان هزاران نفر ایرانی زندگی

صفحه ۱۲

حکمت، تقدایی رو که وجود داره یا کارهایی که حزب کمونیست کارگری میکنه یا بحث هایی که حمید تقوایی داره، این ها رو به زبان آلمانی یا انگلیسی براشون خواهم فرستاد.

کیوان جاوید: اما موضوعی که الان اینجا هست. جامعه نیاز داره به این نوع کمونیسم. ولی در مقابل ما راست هایی رو می بینیم که خیلی در آلمان فعالند. یا اسلامیسیت ها رو می بینیم که در آلمان فعالند. این دو قطبی رو شما چطور می بینید؟

از يك طرف جوانهایی که کمونیسم را میخواهند و از يك طرف خیلی از این مردم به فاشیسم رای میدهند، این مشکل را چطور می بینید. مینا احدی: خوب طبعاً ما در جامعه ای زندگی می کنیم که الان عقبگرد های عظیمی رو داره تجربه می کنه. مثلاً ما ترامپ رو در آمریکا داریم. رئیس جمهور جدید در برزیل و یا اینکه جریانات مختلف راسیستی و فاشیستی را در خود آلمان داریم که رشد کرده اند. و در عین حال ما خودمان جنبش اسلام سیاسی رو دیدیم. خب اینها مشکلات و معضلاتی هستند که جوامع امروزی با آن روبرو هستند و اگر علت و علل را در نظر بگیریم باز هم وجود نظام کاپیتالیستی و دولتهایی هستند که دارند از این نظام دفاع می کنند. فقر و نابرابری عظیمی را ما در دنیا شاهد هستیم. تا جایی که به بحث پناهندگی برمیگردد ۹۶ میلیون مردم الان آواره هستند. از کشور خودشون فرار کرده اند ولی معمولاً پناهندگان در همان مناطق میمانند. بخش کوچکی میتوانند برسند به کشورهای اروپایی، ولی همان پناهجویان هم امروز به يك کیسه بوکس تبدیل شده اند که از طرف راسیستها و فاشیستها به آنها حمله

قبول کنند، در چه می بینید؟ مینا احدی: کلمه ای که شما بکار بردید خیلی جالبه. از این نوع کمونیسم (زیرش خط تاکید میکشم). چون من اونجا جوانهایی رو دیدم که منتقد سیستم و نظام کاپیتالیستی هستند. جوانهایی که در آلمان بزرگ شدند، بدرجات مشکلی نداشتند ولی شاهد يك دنیای پر از ظلم و ستم و نابرابری و مشکلات عدیده هستند. از جمله بحث هایی درباره موج پناهندگی.

این خیلی تاثیر داشت در افکار عمومی آلمان. اینکه چرا اینهمه آدم پناهنده میشوند، به چه چیز پناه میبرند و از چه چیزی فرار می کنند. و جامعه بین المللی، دولت آلمان و سیستم کاپیتالیستی چه نقشی دارند در این فجاج که اتفاق می افتد و حتی در خود آلمان این جوانها می گفتند ما طرفدار کمونیسم در آلمان هستیم ولی د ک ا پ، حزب کمونیست اینجا، این وضعیت رو داره. حزب چپ این وضعیت رو داره. بعضا مزاح می کردند، می خندیدند به کارها و به حرفهایی که اینها دارند میزنند و میگفتند ما به دنبال يك نقد عمیق، ساختن يك سازمان، يك استراتژی نوین هستیم. وقتی من میگفتم من از يك کشوری آمدم که در آنجا اتفاقاتی افتاده، حکومت اسلامی آمد سر کار و ما هم همان موقع گرفتار چپ هایی بودیم که از خمینی دفاع می کردند، چپ هایی که در مقابل تظاهرات زنان علیه حجاب می گفتند این امر ما نیست. و ما قدم به قدم مبارزه کردیم، جنگیدیم. تئوریک، عملی و کمونیسمی در ایران شکل گرفت. کمونیسمی نوین که اسم خودش رو کمونیسم کارگری گذاشته و داره جواب میده به مسائل و مهمتر از همه برای گرفتن قدرت سیاسی خود را آماده میکند. کما اینکه بعد از جلسه واقعا چندین نفر به من مراجعه کردند و گفتند ادبیات این کمونیسم را به آلمانی و انگلیسی میخوایم. وقتی آمدم برام چندین ایمیل آمده که گفتند ادبیات رو بفرستید. نوشته های منصور از این نوع کمونیسم حرف بزنید و

بوند. همه دانشجویان جوان آلمانی بودند که این برنامه ها را سازمان داده بودند. مجموعه ای از سخنرانی ها و مجموعه ای از ورکشاپ ها در این چند روز در دانشگاه ماربورگ در جریان بود که یکی از آنها پانلی بود که من و يك نویسنده کمونیست آلمانی بنام یوتا دیت فورت و يك فمینیست سرشناس آلمانی به نام کوشکا لینکه هند در آن حضور داشتیم.

همه اینها نسل نوینی هستند که در آلمان دارند کار می کنند اساساً موضعگیری علیه راسیسم، فاشیسم و اسلامیسیم. چیزی که آدمی مثل من و ما سالها است در سطح بین المللی زحمت میکشیم برای اینکه توجه جلب کنیم به این دو جبهه. چون بسیاری از چپ ها یا آنها که اسم خودشان را کمونیست گذاشته اند، پرو اسلامی بودند در غرب و در آلمان. ولی این يك جریان و يك حرکت جدیدی هست که داره شکل میگیره، برای خود من خیلی کنفرانس جالب و جذابی بود به خاطر اینکه ۳۰۰ نفر دانشجوی جوان در کنفرانس ما شرکت کردند، بحث در مورد این بود که کمونیسم چی هست، چطور میشه از کمونیسم در آلمان دفاع کرد، چطور میشه تشکل ساخت و نکته جالب برای خود من این بود که من بعنوان کسی که از ایران هستم و حزب کمونیست کارگری رو همراهش بودم و در ساختنش بودم و شاهد بحث های عمیقی در این حزب بودم، سعی کردم بگویم کمونیزم فعال و دخالتگر در ایران چگونه بعد از انقلاب ۵۷ در ایران شکل گرفت، با چه چالش هایی روبرو بود و تفاوت های ما با چپ ضد امپریالیست و خلقی در چیست. من به نقش منصور حکمت و کمونیزم کارگری اشاره کردم و از تجارب کمونیسم کارگری در ایران که خیلی استقبال شد و خیلی برای خودم کنفرانس جالبی بود.

کیوان جاوید: چرا استقبال شد؟ بجز اینکه شما از کمونیسم تعریف کردید؟ نیاز جامعه را به اینکه شما از این نوع کمونیسم حرف بزنید و

به دعوت چند سازمان معروف آلمانی در شهر برلین هفته سکولار در دفاع از حقوق انسانی از ۱۱ تا ۱۸ نوامبر در جریان است. در این هفته چندین کنفرانس و نمایش فیلم و برنامه سیاسی و فرهنگی در دفاع از جهانشمولی حقوق بشر برگزار میشود. یکشنبه این برنامه ها با سخنرانی ریچارد داوکینز منتقد سرشناس مذهب و میشائیل شمر، منتقد امریکایی مذهب با حضور ۷۰۰ نفر در سالن اورانیا در برلین آغاز شد. سپس در روز دوشنبه کنفرانس مطبوعاتی با حضور میشائیل اشمیت سالمون، مینا احدی، رعنا احمد و اشتفان پاتنر و کارستن فرک برگزار شد و در ادامه شب دوشنبه برنامه ای با عنوان جهان وطن من است با نمایش فیلم از زندگی و علت فرار پناهندگان بی خدا از کشورهای اسلامی از حق این پناهندگان دفاع شد. برنامه ها ادامه دارد و روز جمعه یکی از مهمترین کنفرانسها در آلمان با حضور حامد عبدالصمد، مینا احدی و رعنا احمد با عنوان اسلام و حقوق انسانی برگزار شد.

کیوان جاوید: يك هفته تلاش، يك هفته فعالیت و يك هفته سازماندهی، با مینا احدی.

هفته ای که داریم از یازدهم تا هجدهم نوامبر يك هفته دفاع سکولار از حقوق انسانی اعلام شده که در برلین برنامه های مختلفی از جمله کنفرانس مطبوعاتی، نمایش فیلم، سخنرانی و غیره را شامل میشود. مینا احدی قبل از این برنامه ها در برلین در يك شهر دیگر آلمان به اسم ماربورگ سخنرانی داشت، از همین جا شروع میکنیم، نخست در مورد ماربورگ بگویید آنجا چه خبر بود و سخنرانی شما چه بود.

مینا احدی: این سخنرانی روز دهم نوامبر در شهر ماربورگ انجام شد. من آنجا در يك پانل شرکت کردم، و دو سخنران دیگر هم بودند، در چهارچوب سه روز برنامه ای بود که جبهه فمینیستی برای کمونیسم نام گروهی است که آنرا سازمان داده

یک هفته سکولار در برلین

از صفحه ۱۳

میکند و برخی از آنها نیز در مسئله جامعه آلمان دخیل هستند، چیزی که توجه جوانان و مردم را به ما جلب کرده همین نقد به جنبش اسلامی و همزمان مقابله با جریانات دست راستی است. در عین حال چیزی که توجه جلب کرده فعالیت دائمی ما در عرصه های مختلف است.

حال تصور کنید در ایران يك انقلاب اتفاق بیفتد و مثلاً حزب کمونیست کارگری در ایران قدرت را بدست بگیرد و یا در قدرت سیاسی سهمیم بشود. تمام دنیا خواهد دید که ما از چه چیز دفاع می کنیم، چطور زندگی مردم عوض خواهد شد و بعد از قدرت گرفتن چپ در ایران توجه ها به آن جامعه جلب خواهد شد و ما در آن صورت به يك ترند مهم بین المللی تبدیل خواهیم شد که چپ را در جهان دگرگون خواهد کرد.

به هر حال بنظر من با پیشرفت ما در عمل، با تغییر و تحول در زندگی واقعی مردم در ایران و با سرنگون کردن حکومت اسلامی يك دوره جدیدی در دنیا شروع خواهد شد بنفع کمونیسم و به نفع چپ خواهد بود.

کیوان جاوید: برگردیم به بخش دوم فعالیت شما هفته سکولار دفاع از حقوق انسانی، هدف از این برنامه چه بود و کدام فعالیتها را در نظر داشتید.

مینا احدی: این کلا يك هفته برنامه است. هفته سکولار دفاع از حقوق انسانی اسمش رو گذاشتیم که سازمان جوردانو پرونو و چندین سازمان آته نیست آلمانی به همراه ما هستند. ما يك سازمانی درست کردیم در آلمان اخیراً، به اصطلاح دفاع سکولاریستی از حقوق پناهندگان که این سازمان هم یکی از فراخوان دهندگان بود. از یازدهم تا ۱۸ نوامبر در شهر برلین مجموعه ای از برنامه ها هست. هدف اصلی و فراخوان محوری ما این بود جهان وطن من است. ما شهروندان دنیا هستیم. شهروند دنیا علیه رعیت پادشاه.

کیوان جاوید: خوب این يك بحث

خیلی گسترده ای است که محدود به آلمان هم نیست. از يك طرف ترامپ بر ملی گرایی میکوبد. ملی گرایی در اروپا، ملی گرایی یا در واقع فاشیسم یا راسیسم بشدت دارد خود را سازمان میدهد. و از طرف دیگر شما دارید جهان وطن بودن را معنی می کنید. خوب آیا این کنفرانس موفق بوده؟ سخنران های مختلف آیا تا اینجا که صحبت کردند در این زمینه موفق بودند که این مفاهیم رو جا بیندازند؟

مینا احدی: بله باید در سوال قبلی همین رو هم می گفتم. ما چندین برنامه داریم. یکی این بود که روز یازدهم نوامبر، ریچارد داوکینز و میساییل شمر شرکت کردند که حدود ۷۰۰ نفر در سالن نشست بودند. این دو سخنران در مورد مسائل مختلف سیاسی اجتماعی، در مورد مذاهب و همچنین جریانات دست راستی و راسیسم و ترامپسیسم و غیره صحبت کردند. برنامه با استقبال خیلی زیادی روبرو شد و در حقیقت آغاز هفته ای بود که در برلین تدارک دیدیم. دوشنبه ما کنفرانس مطبوعاتی داشتیم در محل کنفرانس های دولت آلمان که در آن کنفرانس من، میساییل اشویت سالمون و رعنا احمد از عربستان سعودی و اشتفان پایتنر و کارستن فرك حضور داشتند. بحث مهم این کنفرانس عقبگرد جوامع انسانی بطرف جوامع موزاییکی و

تعریف حقوق انسانی بر اساس تعلقات ملی و مذهبی و غیره بود. من آنجا در دفاع از حق پناهندگی حرف زدم که الان زیر سوال رفته است. خبرنگاران زیادی در این کنفرانس بودند و بعد از آن گزارشات در رسانه های آلمانی منعکس شد از جمله دویچه وله آلمانی گزارش مفصلی از این کنفرانس منتشر کرد. با منهم در شبکه اول تلویزیون آلمان مصاحبه ای انجام دادند.

برنامه بعدی ما نمایش فیلم جهان وطن من است. بود. فیلمی که از پناهنجویان تهیه شده بود. پناهندگانی که از سوریه و یا عربستان سعودی و کشورهای اسلام زده به آلمان آمده و در برلین زندگی میکنند فیلم نگاهی داشت به

مشکلات پناهندگان بیخدا و همچنین مصاحبه ای با يك پناهنده طرفدار داعش و در ادامه مصاحبه هایی با حامد عبدالصمد و نجلا کله منتقدین اسلام سیاسی.

کیوان جاوید: شما از جهانشمولی حقوق انسانی حرف میزنید چگونه میتوان دنیا را بسوی این ایده آل برد؟ مینا احدی: طبعاً نقد تفکر و نظرات پست مدرنیستی مهم است. ما سعی میکنیم با این برنامه ها با صدای بلند از حقوق جهانشمول انسانی دفاع کنیم و در عین حال ما خواهان آموزشاین مسئله به کودکان در مدارس هستیم و سعی میکنیم با آگاهگری و برنامه های مختلف سیاسی در این جهت پیش برویم.

کیوان جاوید: در همان بیانیه حقوق بشر که هفتاد سال پیش تصویب شد از حقوق بشر بین المللی حرف میزنند اما اکنون ترامپ از امریکا فقط برای امریکایی ها و یا راسیستها در اروپا از عرق ناسیونالیستی حرف میزنند، در این مورد چه باید کرد؟

مینا احدی: ما مدتها است که میگوییم نسبت فرهنگي يك عقبگرد کامل است و باید در سطح سیاسی به مقابله با آن پرداخت. واقعیت اینست که دست راستی ها و راسیستها در همه جا در حال رای جمع کردن هستند و ما در امریکا ترامپ را می بینیم در آلمان حزب آلترناتیو برای آلمان و یا در لهستان و مجارستان پیشروی دست راستی ها را، در حقیقت باید گفت جنبش اسلامی که ضد بیگانه و راسیست است اکنون با جنبش راسیستی ضد بیگانه در اروپا و در دنیا مواجه میشود و پاسخ درست به این دو جبهه، مقابله با این دو جبهه و دادن فراخوانی است که در در برنامه های خودمان داشتیم یعنی نه به راسیسم و فاشیسم و نه به اسلام سیاسی، فقط از این طریق میتوان امروز از جهانشمولی حقوق انسانی دفاع کرد. متأسفانه اکنون بسیاری از سازماندهی چپ و یا طرفدار محیط زیست چنین سیاستی را ندارند و فقط يك جبهه را می بینند و اسلام سیاسی را زیر بال و پر خود گرفته اند.

کیوان جاوید: من این برنامه را با يك



بهر حال این خبر از طرف بسیاری از فعالین مدافع حقوق انسانی و کسانی که فعالیتهای مرا می بینند، جدی تلقی شده است.

کیوان جاوید: پاسخ خود شما به این تشبیهات حکومتی چیست؟

مینا احدی: پاسخ من اینست که این درسته که حکومت اسلامی دلش از فعالیتهای ما خون هست، بویژه در کمپین هایی که در خارج از کشور سازمان دادیم، بطور مثال کمپین سکینه محمندی آشتیانی، در عین حال خامنه ای و حکومت اسلامی جوشش اعتراضات گسترده کارگران، دانشجویان، زنان و مردم ایران را می بینند که چپ و زیر و رو کننده است، آنها از مردم ایران وحشت دارند و با این تشبیهات میخواهند از کشتی در حال غرق شدن حکومت نگهداری کنند. اما همه میدانند که حکومت اسلامی به ته خط رسیده و دیگر هیچ جنایت و انسان کشی نمیتواند این حکومت را نجات دهد. مردم ایران این حکومت را قبول ندارند و برای سرنگونی آن تقلا میکنند و ما امیلوارم بزودی شاهد سرنگونی این حکومت باشیم و بر ویرانه های آن، حکومتی انسانی سازمان دهیم که نگاهها را در همه جا بخود جلب کند.

رئیس بانک مرکزی، از تعیین نرخ ارز ...

از صفحه ۱۱

گرانی، فلاکت؛ بی تامينی در کنار دهها کمبود در زندگی روزمره مردم، کارد را به استخوان مردم رسانده است. برای پایان دادن به این وضعیت و ایجاد کنشایشی در زندگی و معیشت مردم برای رهایی از فقر و فلاکت و بی حقوقی که دولت و نظام سرمایه داران دزد و قاچاقچی اسلامی بر کرده مردم تحمیل کرده اند، باید کل نظام را به زیر کشید. راه دیگری وجود ندارد.

اول آذر ۲۰۱۸، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۸

سوال دیگر به پایان میبرم، روزنامه بیلد در آلمان اخیراً به قلم آنته شیپمن خبرنگار معروف آلمانی مطلبی منتشر کرد که در آن گفته شده است در يك نشست سری در ایران، در مورد از سر گرفته شدن ترورهای در خارج از کشور صحبت شده و اسم شما بعنوان اولین نفر در آلمان که باید تکلیفش روشن بشود مطرح شده است، موضوع چیست؟

مینا احدی: بله این خبری هست که به ما رسیده. یعنی به حزب کمونیست کارگری، از کانال هایی که داریم. این خبر به هر حال به گوش پلیس آلمان هم رسیده و دارند این را بررسی می کنند. روزنامه بیلد این خبر رو زد با يك گزارش به نظر من خیلی دقیق، مستند و جامع از ترورهای جمهوری اسلامی. اقدامات تروریستی در دوره اخیر و چرایی از سر گرفتن ترورها توسط حکومت اسلامی. این خبر را منتشر کرد. در این مقاله البته خبرنگار با تعدادی از کارشناسان و همچنین با نمایندگان پارلمان مصاحبه کرده و نظر آنها را در این مورد جویا شده است. البته خبرنگار بیلد با وزارت امور خارجه و همچنین وزارت داخله و پلیس امنیتی آلمان نیز تماس گرفته است.

مردم کمیاب شده و مافیای قاچاق حکومتی از قبل احتکار، هر ساعتی قیمتها را در بازار بالا می برند. در کنار این سیاستهای ویرانگر، تحمیل قفرو فلاکت بر کرده مردم، دزدیهای کلان حکومت نیز افزایش یافته است.

کارگران و مردم بزرگست به این وضعیت معترض بوده و هر روز دست به اعتراض و مبارزه علیه این سیاستهای حکومت می زنند. فقر،

سوسیالیسم و سعادت

سینا پدram

دهه هشتاد تنها حمله به دست آوردهای اقتصادی و یا کاربست اقتصاد ریاضت کشانه نبود. به همراه چنین حمله گسترده ای، تغییر و مهندسی آرمانهای گذشته بطور عام و دهه های بعد جنگ جهانی دوم بطور اخص در دستور کار بنگاه های فکری و خبری بورژوازی نیز قرار گرفت.

به نظر میرسید که در دهه ۸۰ ولع و اشتیهای سیری ناپذیر بورژوازی به انباشت سرمایه، تمامی حصارها و محدودیتهای سابق را در می نوردید.

انباشت، به جنون قرن مبدل شده بود و سایه خود را بر تمامی حیات انسانی از سیاست تا فلسفه، از شکل حکومتی تا خانواده و حتی تا روابط فردی افکنده بود. هیچ سپهری از جامعه انسانی و طبیعی در مصونیت نبود.

پرسش "سعادت چیست؟" به مرکز بحث و ابراز نظر تبدیل شد و در عین حال به یک کارزار سیاسی دامن زد.

یکی از آرزوهای دیرین بشری، داشتن زندگی سعادت مند بوده است. و به این سؤال نحله های مختلف فلسفی و سیاسی جواب ها و برداشت های خود را آرایه داده اند. از افلاطون تا اپیکور، از ارسطو تا اسپینوزا، از کانت تا مارکس ما با جوابها و راه حل های متفاوت روبرو هستیم.

در فلسفه مبحث گسترده ای به نام فلسفه بهروزی یا سعادت "eudaemonic philosophy" وجود دارد که در صدد جواب دادن به چگونگی، چرایی و حالات مختلف سعادت انسانی و نیل به آن بوده است. اینکه این سعادت معنای درونی دارد و یا بیرون، ما با جوابهای روانشناسانه و جامعه شناسانه روبرو هستیم.

از سوی دیگر، مذهب و تنولوژی، خود را همواره کلید دار جواب ابدی به خوشبختی و

بهروزی بشری دانسته است.

هنر و علم در ابعادی به این موضوع خیره شده و در جهت نیل به آن قدمهایی برداشته اند و یا راه حصول به خوشبختی را روشن تر کرده اند.

اگر چه مکاتب فلسفی مختلف در طی قرون و اعصار سعی در تعریف افقها و مرزهای بهروزی و سعادت نوع بشر داشته اند و به زاویای گوناگونی از چگونگی نیل به این بهروزی پرداخته اند، اما این جنبشهای سیاسی و اجتماعی بوده و هستند که به این تعبیرات رنگ و روی واقعی بخشیده اند و حدود و ثغور آن را ترسیم کرده اند.

بهروزی و سعادت امریست تاریخی و به این اعتبار مرزهای آن در حال تغییر مدام است و در عین حال باید گفت که این تغییرات همواره رو به جلو نبوده است. به اعتباری مقوله سعادت به مقوله فقرا وصل میشود و از همین رو عمیقاً باید به این موضوع نیز در این چهار چوب پرداخت. و از این رو تصور عمومی و یا تصویر عمومی از خوشبختی نه محصول جدال این مکاتب فلسفی بلکه منبعث و متأثر از جدال نیروهای سیاسی اجتماعی هر دوران هستند.

در تحلیل نهایی سعادت امریست تاریخی و منوط به رشد اقتصادی و تکنولوژیک و نیروهای تولید بشری. و درست از اینرو با جدالهای سیاسی و اجتماعی رقم میخورد. سعادت انسانی به این اعتبار جهان شمول نیز هست.

رابطه افراد انسانی هم نسلی با جنبشهای سیاسی دوره خود، چه به شکل خودآگاه و فعال و چه به صورتی انفعالی، به آرمانها و ایده ال ها و به طریق اولی به آگاهی شان از خوشبختی شکل میدهد.

بورژوازی دهه هشتاد به بعد در جواب خود به این سؤال تاریخی، بار دیگر مفهوم فرد و اجتماع را باز تعریف کرد و به

عروج سخیف ترین تیوریهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی میدان داد.

مذهب و خوشبختی ابدی

مذهب در شکل دادن به سؤال و به عبارت بهتر در وارونه نگاری این پرسش نقش قابل ملاحظه ای داشته است. از نظر مذاهب الهی گوناگونی که در تاریخ تحول فکری بشری به این عرصه پا نهاده اند سعادت موضوعی است آسمانی و غیر قابل وصول در جهان مادی. نیل به تمامی حوائج مادی و معنوی انسان به جهانی دیگر محال میشود و دست نیافتنی تصویر میشود.

اگر در بدو پیدایش مذاهب، این جواب ریشه در عجز انسان در مقابله با عناصر طبیعی داشت، با به کار گیری مذهب در جوامع متأخرتر طبقاتی به عنوان ابزار تحمق، این پاسخها بیشتر برای منکوب کردن و مقهور کردن توده ها عمل میکرد و میکند.

مذاهب ابراهیمی سعادت را در بهشت برین و آن هم تنها برای مؤمنین وعده داده اند. اما جالبتر اینکه در مذاهب آسیایی از قبیل شینتو و بودیسم و هندویسم و غیره، چنین حوائجی به رسمیت شناخته نمیشوند. سعادت در عدم خواست تحقق می پذیرد. طرفه آنکه یکی از اصول اساسی بودیسم در باب موضوع بهبود، پرهیز از خواست های "ناشایست" قلمداد میشود.

در عصر ما مذهب با حفظ تمامی این خصوصیات اولیه، و با عروج آن به عنوان یک قدرت مالی و سیاسی در واقع به منکوب کردن و سرکوب تمامی خواستهای انسانی کمر همت گماشته است.

عروج و به کار گماردن اسلام سیاسی در خاورمیانه، دست اندازی بیش از پیش و اتیکان در عرصه سیاسی و در جانبنداری مخلصانه خود از ریگان و

سیاست های ریاضت کشانه دولتها و بانک جهانی با ملغمه ای از سفیفته توجیحات مذهبی برای پوشاندن علل واقعی ناهنجاری ها و مصایب اقتصادی و اجتماعی و حتی طبیعی دوران ما در کشورهای آمریکای لاتین و منسوب به کشورهای کاتولیک، حلول یهودیت در کالبد دولت مذهبی قومی اسرائیل از نمونه های شاخص این دگرذیسی مذاهب در ۳۰-۴۰ سال گذشته هستند.

به هر رو مذهب که روزگاری قرار بود برای سعادت ابدی انسان جوابی باشد، در عصر ما خود به صورت مسیله بزرگی تبدیل گشت و از این رو بلاواسطه در مقابل این آرمان کهن بشری قد علم کرد. اگر موعظه ریاضت کشی در راه خدایان آسمان درمعابد و صومعه ها آمیزه ای از جهالت و تزویر کاهنان بود، تبلیغ قدوسیت آن برای جامعه به همراه خدایان سرمایه، حاکی از هم کاسه گی این فروشندگان دین با اربابان سرمایه بود

نظری کوتاه به جنبشهای

سیاسی دهه های ۶۰-۷۰

برای شناخت دوره حاضر انداختن نظری به جنبشهای اجتماعی و سیاسی دهه ۶۰ و گسستی را که با حملات بورژوازی در دهه ۸۰ متحمل شدند، خالی از پاداش نیست. بعد از جنگ جهانی دوم و با انباشت سریع سرمایه بعد از جنگ، به نظر میرسید که سیستم سرمایه داری به بحران های ادواری خود پایان بخشیده بود و از خود سیمای ماندگارتر و جاودانه تری به نسل دوره جنگ و بعد از جنگ آرایه می داد. اما در اواخر دهه ۶۰، روحیه سرخوردگی، ناامیدی، یاس و پاسیویسم که از ثمرات تلخ دو جنگ جهانی ویرانگرانه سرمایه داران اروپایی و آمریکایی و آسیایی بود، جای خود را آهسته به نوعی روحیه انسان دوستانه، مشارکت، آرمان خواهانه و عشق و مهربانی می داد. جنگ جهانی دوم که به انهدام و

نابودی ثروت های مادی و انسانی در ابعاد جهانی انجامید، علیرغم ادعاهای دروغین ایدئولوگ ها و خیراندیشان سرمایه داری نوین، چیزی نبود جز تقسیم حوزه های اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی.

تبعات و عواقب این جنگ برای سالهای درازی بر دوش توده های جهانی سنگینی کرد ولی در دهه شصت ما شاهد چالش سیستم سرمایه داری با تمام شایبه های آن در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظری و فرهنگی توسط نسلی بودیم که دیگر حاضر به قبول توجیحات دولتهای پس از جنگ نبودند. در سطح نظری اگزیستانسیالیسم، نهلیسم، بی تفاوتی سیاسی و دوران سیاه کمونیست ستیزی مکارتیستی در اتحادیه ها و هالیوود، جای خود را به جنبش مدنی سیاهان و جنبش ضد جنگ ویتنام در آمریکا، جنبش جوانان و دانشجویان در اروپا جنبشهای آزادیخواهان در آسیا و آمریکا لاتین داده بود.

مارکس و سوسیالیسم به گفتمان زنده ای تبدیل شده بود که تمامی حوزه های نظری و سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار داده بود.

تمامی اینها حاکی از شیفتم بنیادی جوامع بعد جنگ بسوی به چالش کشیدن اتابیلیسمان، establishments، در تمامی سطوح آن بود.

عروج جنبشهای فکری رادیکال، چپ و کارگری در عرصه های گوناگونی اجتماعی و سیاسی و هیپیزم که به اعتقاد من بروز توده ای این روند رادیکالیزه شدن اجتماعی بود، گویای این تغییرات بنیادی در سطح ماکرو بود.

جامعه خواستار بهره مندی بیشتر از دستاوردهای رفاهی بعد از جنگ بود و افق سعادت مندی به این اعتبار وسیع تر میشد. جوامع مدرن چهارچوبهای موجود را پس میزدند و به افق های دورتری خیره میشدند.

تبلور این گسست اجتماعی،

رتبه اول ایران در پولشویی

کاظم نیکخواه

موسسه "بازل" که یک موسسه بین المللی برای کنترل پولشویی در سطح دنیاست امسال هم در میان ۱۴۶ کشور مورد بررسی، ایران را از نظر امکان پولشویی در رتبه اول قرار داد. (هورا! بالاخره در یک چیزی اول شدیم!) پولشویی این روزها در دنیا کلمه رایجی شده است. "پول کثیف" به پولی میگویند که از راه تروریسم و قاچاق و اختلاس و تقلب جمع شده است. پولشویی یعنی اینکه این پول کثیف را از زیر کنترل پلیس و قانون خارج میکنند و بعد با یک سری عملیات با نامهای دیگری آنها را به کانالهای دولتی و قانونی سرازیر میکنند و سرنخهای قاچاق و غیر قانونی آنها پاک میکنند. از این طریق دیگر کسی نمیتواند پیگیری کند که فلان میلیارد در ثروتمند

کلان پولهایش را از کجا آورده است. بهترین جا برای این کار ایران تحت حکومت اسلامی است. کشور تروریسم، کشوری که قانون و حکومت و سیستم بانکی و اداری و وزیر و نماینده مجلسش مافیائی و کثیفند. بنابراین کجا بهتر از این کشور برای قاچاقچیان مواد مخدر و راهزنان و متقلبین و اختلاسگران تا پولهای بالا کشیده شان را "تمیز" کنند و بعد با عزت و احترام راهی بازارهای دنیا نمایند؟ یک عالمه میلیارد در یک شبه از این طریق درست شده است. اخیرا محمد جواد ظریف همین را اعتراف کرد و در مورد مخالفت با لایحه ضد پولشویی FATF که در شورای نگهبان گیر کرده است گفت "اعتقاد دارم خیلی از این نگرانی ها صادقانه است؛ یعنی دوستان ما نگرانی صادقانه دارند. اما فکر

می کنم پشت برخی از این نگرانی ها منافع اقتصادی است." یعنی میگوید کسانی که با لایحه ضد پولشویی مخالفت میکنند خودشان دستشان در کار پولشویی است. او در ادامه گفت "بالاخره پولشویی یک واقعیت در کشور ماست. خیلی ها از پولشویی منفعت می برند" او در مورد اینکه آیا فاکتی برای این ادعا دارد یا خیر گفت: "اگر کنی هم در این باره داشته باشم امکانش را ندارم که علنی کنم؛ ولی کدهای زیادی در مورد میزان پولشویی در کشور وجود دارد. من نمی خواهم این پولشویی را به جایی نسبت دهم؛ اما جاهایی که هزاران میلیارد پولشویی می کنند حتما آنگار توان مالی دارند که ده ها و صدها میلیارد هزینه تبلیغات و فضا سازی کنند." بعد از این سخنان صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه گفت که این

سخنان "مثل خنجری به قلب نظام است". حسن روحانی هم در تایید سخنان ظریف گفت "وقتی مواد مخدر هست، پول کثیف هم هست؛ این پول کثیف کجا می رود؟ یک گوشه و کناری پولشویی انجام می گیرد" هر سه شان راست میگویند. روحانی و ظریف هر روز در اروپا و در سطح دنیا زیر این فشار قرار دارند که اگر جمهوری اسلامی بخواهد فشار تحریمها را از سر خود کم کند باید با قوانین بین المللی از جمله قانون ضد پولشویی خود را وفق دهد. وگرنه حتی اروپایی ها هم تنهاش خواهند گذاشت. به همین دلیل تلاش میکنند که مقامات حکومتشان را متوجه خطر کنند. اما صادق لاریجانی وقتی میگوید حرفهای ظریف خنجری به قلب نظام است نیز درست میگوید. چونکه کل سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی با قاچاق مواد مخدر و تقلب و دور زدن کنترل بین المللی و اینها میچرخد. مدتی

پیش علم الهدا گفته بود که اگر این لایحه را تصویب کنیم کشورهای دیگر مدام در کارمان سرک میکشند و اجازه نمیدهند به دوستانمان کمک مالی کنیم. منظورش بروشنی اشاره به سرازیر کردن پولهای کلان برای تروریستهای اسلامی در کشورهای مختلف است. او طبعاً به دست داشتن امثال خودش در قاچاق وسیع مواد مخدر در دنیا اشاره نمیکند. اینها برای جمهوری اسلامی مشکلاتی اساسی و واقعی است.

بهرحال جمهوری اسلامی حکومت قاچاق و تروریسم و مافیاست و به همین دلیل معضل پولشویی را مطلقاً نمیتواند حل کند. با هزار حلقه به سیستم پولشویی و مواد مخدر و مافیائی متصل است. تنها راه خلاص شدن از این معضل اینست که کل این حکومت از صحنه این جامعه جaro شود و این کار کسی جز کارگران و مردم انقلابی نیست.

سویالیسم و سعادت

از صفحه ۱۴

از چهارچوب ها و مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک طبقات حاکمه را در تمامی تلاشهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این دوره متحول میتوان دید.

میشود بوضوح دید که زیر پوست جامعه، گفتمانهای دیگری در جریان بود. موسیقی، هنر، ادبیات، نقاشی و تمامی روینای جوامع بعد جنگ، به بازنگری رسیده بود. این حتی بازنگری نبود. بیشتر به خانه تکانی شبیه بود. بیشتر از گذشته، رو به آینده بود.

به اعتباری هر آنچه در دهه های بعد در عمق رشد کرد و تعمیق شد، ریشه در این دهه پر تحول داشت.

میتوان حتی به تولید انبوه اتومبیل و یا دسترسی بیشتر به خطوط مسافرتی هوایی و یا زمینی پرداخت و دید که چگونه تولید انبوه چنین وسائل مصرفی

ای، در تلقی و تفکر بشر دوره معاصر، در مورد حقوق اجتماعی نقش شگرفی ایفا میکند.

به بیان عمومی، دهه ۶۰ تخت پرش اجتماعی بود که جهان و مردم آن را وارد مرحله دیگری کرد.

این تحولات تنها در اروپا یا غرب بازتاب نداشت، بلکه در سطح پایه ای تر تمامی جوامع وارد شده در حوزه تولید سرمایه داری را چه در آسیا و در آمریکا لاتین و آفریقا تحت تأثیر خود قرار داد. به قول جان لئون، بیتلز از مسیح مشهورتر بودند. جمله ای که شایبه های مذهبی هر جامعه معاصر را به چالش میکشید. جمله ای که به مذاق واتیکان هیچ خوش نیامد و با گستاخی ابلهانه ای به تکفیر وی دست زد.

اما رشد اقتصادی شگرف دو دهه گذشته میرفت که با بحران رکود ساختاری خانمان براندازی دست به گریبان شود.

دهه ۷۰، بحران و دیگر هیچ

با شروع بحران معروف به بحران انرژی و یا بحران نفت که در اصل تجلی بحران ساختاری و اقتصادی سرمایه داری بعد جنگ بود، دولتهای سرمایه داری به شکلی جدیتر به بازنگری تئوریهای کینزیانیستی و دولت رفاه و غیره پرداختند. اولین نظریه پردازان معروف به تئوریهای نئولیبرالی در این سالها در فرانسه و آمریکا با این بحث که دولت نباید در امور بازار دخالت کند و اشتغال همگانی امریست غیر ضرور و حتی مضر برای اجتماع، خطوط کلی و افق طبقاتی سرمایه داری برای برون رفت از بحران را حدادی کردند.

شاه بیت تمامی این دکترینها، که بعداً به مکتب شیکاگو مشهور شدند، حمله به تمامی رفاهیات موجود جامعه از سویی و تغییر رابطه دولت با جامعه و فرد با جامعه در تمامی شئون اقتصادی و سیاسی

جوامع مدرن بود.

سرمایه داری با چهره انسانی، جذابیت خود و در تحلیل نهایی کاربرد خود را از دست داده بود. اگر بخواهیم به زبان مارکس سخن بگوئیم، خود به مانعی بر سر راه انباشت سرمایه تبدیل شده بود.

متراتب به کارگیری این نظریه ها و سیاستهای اقتصادی، تغییر سیمای فرهنگی و فکری جامعه نیز در دستور کار قرار میگرفت. دهه هفتاد بیشتر به دوره برزخ شبیه بود. جدالهای اجتماعی بزرگ در چهار راه حوادث در انتظار بود. طبقات اجتماعی در ابعاد گوناگونی به کار حدادی سلاح های خود بودند و غلبانها اجتماعی در چشم انداز قرار گرفته بودند.

بورژوازی حاکم، با تمام زرادخانه فکری و عملی خود، بحران اقتصادی را بر دوش طبقات فرودست می انداخت و درصدد حمله به تمامی رفاهیات جوامعی انسانی بود.

سعادت و بهروزی نوع بشر باز تعریف میشد. سود فردی بر سود همگانی الویت داشت، پول، ثروت و موفقیت شخصی عناصر اصلی خوشبختی و موفقیت جامعه تلقی میشد، نئودوستی و عشق به هممنوع که از ایده آلهای دهه ۶۰ به حساب می آمد، قرار بود جای خود را به رقابت و حسد و چشم هم چشمی بدهند. "سگ را میدرد" به فضیلت مبدل گشته بود آدمیزاد چیزی بود تنها، منزوی و بیچاره در گذرگاه تنگناهای اقتصادی، که تنها باید کلاه خود را می چسبید.

سعادت بشری چه در مضمون اقتصادی و چه در حوزه سیاسی و فرهنگی به مزایده داده شد. و این چنین به دوران مارگارت تاچرهای "شیر بچه دزد" وارد شدیم. بانو ها و آقایان "آهینی" که جز سلاحها، تانکها و زندانهایشان هیچ چیزشان آهین نبود.

ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می جنگیم می جنگیم

درباره یک اعتصاب زیبا

از صفحه ۵

نیشکر هفت تپه آنچنان بوده که در صفوف حکومتیان نیز موجب شکاف و هراس شده است تا جاییکه بعضا حتی از سوی حوزه های علمیه نظیر حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت پیام همبستگی به کارگران داده شده است.

تاثیرات چنین ابعادی از همبستگی ابعادش بسیار فراتر از خود نیشکر هفت تپه است. این اعتراضات بطور واقعی توازن قوا را به نفع کل کارگران و کل جامعه تغییر داده و به نقطه عطف تحول سازی در سیر اوضاع سیاسی جامعه تبدیل شده است. این اعتراضات در عین حال به الگویی برای مبارزات کارگران و کل جامعه تبدیل شده و راه نشان میدهد. و بالاخره اینکه این اعتراضات گفتمان های کارگری و چپ را مقابل چشم جامعه قرار داده است.

انترناسیونال: جایگاه این مبارزات و شاید بد نباشد بگوئیم همچنین مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز امروز چیست؟

شهلا دانشفر: اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه یکی از قدرتمندترین، مدرنترین و رادیکالترین اعتراضات کارگری در ایران است. حتی باید بگویم نظیر آن در سطح جهان کم دیده میشود. کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزاتشان صدای اعتراضشان را علیه فقر و گرسنگی که هر روز بیشتر زندگی کارگران و کل جامعه را به نابودی میکشد، به پا خاستند و از اینکه کل بساط حاکم در خدمت سرمایه داران است سخن گفتند. در این اعتراضات کارگران کل بساط دزدسالار حاکم را به چالش کشیدند و خواستار محاکمه همه کسانی که در دزدی ها دست دارند شدند. در این مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزاتشان از اینکه دستگاه قضایی و کل بساط حکومت در خدمت منافع سرمایه داران است سخن گفتند و حرفشان این بود که نقض امنیت کارگر یعنی نقض امنیت ملی و سرکوب مبارزاتشان را تحت عنوان اخلاص در نظم امنیت محکوم کردند. در این اعتراضات

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را در موقعیت بسیار قدرتمند تری قرار داده است که به اتکای این پیشروی ها نه تنها اسماعیل بخشی را آزاد میشود، بلکه کارگران میتوانند خواسته هایشان را به جلو ببرند. از جمله یک دستاورد مبارزات این کارگران کوبیدن میخ شورا و مجمع عمومی در این دو مرکز بزرگ کارگری و در کل جامعه به عنوان ابزار اعمال اراده مستقیم کارگران بویژه در این مقطع مهم سیاسی است.

انترناسیونال: گام بعدی چیست؟ شهلا دانشفر: وقتی از گام بعدی سخن میگوئیم، یکی در رابطه با اوضاع کل جامعه است و دیگری در رابطه با مبارزات مشخص خود کارگران نیشکر هفت تپه است. در رابطه با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اولین گام ادامه قدرتمند این اعتراضات در حلقه یک همبستگی بزرگ اجتماعی برای آزادی اسماعیل بخشی رهبر محبوب این کارگران و خبرنگار بااداشت شده در این اعتراضات است. فراخوان سنديکای نیشکر هفت تپه به ادامه اعتراضات تا رسیدن به خواسته های اعلام شده کارگران و آزادی فوری اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران و سپیده قلیان خبرنگار بااداشت شده در این اعتراض و ادامه همبستگی های جهانی شده است. یک شکل عملی حمایت از این فراخوان پیوستن به اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه همان کاری است که

کارگران گروه ملی فولاد اهواز انجام دادند و رفتن بسوی اعتصابات سراسری کارگری است. بعلاوه همانطور که اشاره کردم کارگران هفت تپه خواسته هایی دارند که بخاطر آنها دست به این اعتراضات زده اند. این کارگران زندگی و معیشتشان زیر خطر قرار گرفته است و روشن است که باید خواسته هایشان پاسخ بگیرد. اتکاء به مجمع عمومی و حمایت وسیع از نمایندگان منتخب شورای کارگری یک حلقه کلیدی در پیشبرد متحدانه این اعتراضات و در عین حال پاسداری از این دستاورد مهم کارگری است. ما ضمن حمایت از خواسته ها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی و تاکید بر حضور خانواده ها، تاکیدمان به گسترش این همبستگی هاست و مردم شوش و همه بخش های مردم را به پیوستن قدرتمند به مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه فرامیخوانیم. همچنین فراخوان ما به کل جامعه اینست که با تمام قوا در کنار این کارگران بایستند. پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه، پیروزی همه کارگران و کل جامعه است باید با تمام قوا از این مبارزات و دستاوردهایش حمایت و پشتیبانی کنیم.

اما گام بعدی در برابر کل کارگران و کل جامعه دیدن این دستاوردها و تغییر توازن قوا به نفع مبارزات همه مردم است. اولین گام به کارگیری تجربیات مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و تکثیر

الگوهای مبارزاتی آن در میان کل جامعه است. در همین راستا این مبارزات دو تاکید مهم را در دستور کار کارگران و کل جامعه قرار میدهد. اولین تاکید مبارزات زنان کارگر به عنوان یک حلقه تعیین کننده برای پیشروی کل جنبش کارگری است. تاکید دیگر گذاشتن الگوی شوراها ی کارگری و شوراها ی مردمی به عنوان یک شکل عمل مستقیم در مقابل کل کارگران و کل جامعه است. کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی اعلام کردند که برای رها شدن از این همه بدبختی و برای گرفتن جلوی اختلاس ها از بالا تا پایین، باید شوراها ی کارگری و شوراها ی مردمی خود را داشت. بدین شکل این کارگران گفتمان شوراها ی کارگری را به عنوان شکلی از ابراز وجود کارگری به جلو آوردند. این کارگران با این گفتمانها در واقع راه آلترناتیو اداره جامعه را نشان دادند. با چنین گفتمان هایی شوراها در نیشکر هفت تپه تشکیل شد و با اتکاء به قدرت شورا و تشکیل مجمع عمومی اش، مبارزات متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه شکوهمند به جلو رفت. تجربه هفت تپه راه عملی تشکیل شوراها ی کارگری و اعمال عمل مستقیم کارگران را نشان داد و این یک دستاورد مهم نیشکر هفت تپه در دل اوضاع سیاسی امروز برای کل کارگران و کل جامعه است. تاکید ما بکارگیری این الگو در تمام مراکز کارگری و در کل جامعه است.

پیش بسوی تشکیل شوراها ی مستقل مردمی!

بساط پاسدار و پلیس و کل نیروهای مسلح و بوروکراتیک! جامعه در اساس معنایی جز مردم ندارد. مردم باید خود جامعه را اداره کنند. کل نیروهای حرفه ای مسلح و پلیسی و نظامی و بوروکراتیک با هزینه مردم و برای به بند کشیدن مردم برپا شده اند. این بساط را باید جمع کرد. انقلاب آتی ایران میتواند الگوی آزادترین و انسانی ترین و برابرتین جامعه را به مردم دنیا نشان دهد.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران

خواست تشکیل شوراها ی مستقل از درون مبارزات کارگری بگوش میرسد. کارگران برای دفاع از زندگی خویش، برای خلاصی از شر سرمایه داران انگل و مفتخوری که حتی حقوق توافق شده کارگر را هم در این مملکت بالا میکشند، به ضرورت تشکیل شوراها ی مستقل برای نظارت و کنترل و اداره کارخانه رسیده اند. شوراها ی مستقل یعنی اعمال اراده مستقیم مردم در اداره کل جامعه! شوراها یعنی کارخانه و محله و شهر و کل جامعه بدست خود مردم اداره شود. تشکیل شوراها ی مستقل یعنی جارو کردن بساط دزدان و چپاولگران حاکم. یعنی جمع کردن

از همین رو کارگران نیشکر هفت تپه و در کنار آن گروه ملی فولاد اهواز با مبارزات درخشان بطور واقعی کل بساط توحش سرمایه داری دزد سالار حاکم را به چالش کشیده اند و گفتمان های چپ و انسانی را در جلوی صحنه سیاسی ایران قرار داده است. نتیجه چنین اتفاق مهم سیاسی ای عقب زدن راه حل های راست و آلترناتیو سازی ها از بالای سر جامعه است. روشن است که این دستاوردها پس گرفته نیست و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را نمیتوان به عقب برگرداند.

بدین ترتیب اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و در کنار آنها گروه ملی فولاد اهواز امروز به یک نقطه عطف و تحولی بزرگ در جنبش کارگری و در مبارزات کل جامعه تبدیل شده است. در عین حال این مبارزات و ابعاد اجتماعی آن و موج همبستگی ای که همراه داشته است، بطور قطع

ادامه حرکت با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز شماری از کارگران بازداشتی هفت تپه شب گذشته آزاد شدند

امروز سه شنبه ۲۹ آبان ۹۷ کارگران نیشکر هفت تپه برای آزادی همکاران بازداشتی خود و در شانزدهمین روز اعتراضاتشان متحدانه به خیابان آمدند و شعار دادند. شمار بسیاری از مردم در شهر شوش در صفی گسترده به کارگران پیوستند. امروز هم کارگران در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و یکی از فعالین کارگری طی سخنانی چنین گفت "مگر آقای بخشی چه گفته که امنیتی هستیم. مگر آقای بخشی اختلاس کرده؟" بدنبال سخنان او شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد سر داده شد. کارگران و مردم معترض سپس در حالیکه شعار میدادند در سطح شهر راهپیمایی کردند. صف تظاهرات مسیر فلکه ساعت تا هفت تیر را پوشانده بود و با شعارهای "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "فولاد هفت تپه پیوندتان مبارک" و "کارگر زندانی آزاد باید گردد" صدای اعتراضاتشان را بلند کردند و شعار همبستگی سر دادند.

کارگران به راه افتاده است. در خارج کشور نیز از سوی حزب کمونیست کارگری و نیروهای سیاسی دیگر آکسیونهایی در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان برنامه ریزی شده است. و این همبستگی ها ادامه دارد.

این نیز قابل توجه است که وسعت و قدرت اعتراضات کارگران و مردم در صفوف حکومتیان هراس و شکاف انداخته و حتی "حوزه های علمیه" جمهوری اسلامی در قم، شوش، دزفول و اهواز و "جامعه روحانیت" در قم از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند!

بدنبال اعتراض قدرتمند و تاریخی کارگران نیشکر هفت تپه در روز گذشته که شهر شوش را به حرکت درآورد و حمایت های گسترده ای که از اعتراضات آنان در این شهر و سایر نقاط کشور شد، ساعت ۱۱ شب گذشته اکثر کارگران دستگیر شده آزاد شدند. اما همچنان اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، مسلم آرمند، حسن فاضلی و فعال دانشجویی سپیده قلیان در بازداشت بسر میبرند. برای تمامی کارگران بازداشت شده پرونده امنیتی اخلاص در نظم عمومی تشکیل شده است. به گزارش فرزانه زبیلی وکیل کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه از محل نگهداری ۴ کارگر باقیمانده در بازداشت اطلاعی در دست نیست.

علاوه بر دستگیری ها رژیم اسلامی با استقرار نیروهای امنیتی و انتظامی در گیت های مجتمع هفت تپه و در مراکز از شهر تلاش میکند مانع ادامه حرك کارگران شود و فضا را امنیتی کند. اما تاکنون موفق نشده است. همزمان وزارت کار جمهوری اسلامی هياتی را برای مذاکره و توافقات احتمالی با کارگران معترض به استان خوزستان اعزام کرده است. علیرغم همه این تشبثات امروز کارگران و مردم وسیعا در

اعتراضات شرکت کردند و علیه مفتخوران شعار دادند و از رهبران و فعالین خود حمایت کردند.

بنا به يك خبر دیگر بانکها به این بهانه که اقساط وامهای کارگران پرداخت نشده است حسابهای بانکی شماری از کارگران را بسته اند و این اقدام باعث خشم بیشتر کارگران شده است.

کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که تا آزادی چهار نماینده بازداشتی خود اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، مسلم آرمند، حسن فاضلی و فعال دانشجویی سپیده قلیان، پرداخت ۴ ماه دستمزد معوقه آنان و خلغ يد از مالک کنونی شرکت به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. کارگران نیشکر هفت تپه همچنین خواهان باطل شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای بازداشت شدگان هستند.

همزمان با کارگران نیشکر هفت تپه، امروز کارگران گروه فولاد اهواز نیز هشتمین روز اعتراضاتشان را پشت سر گذاشتند. بر طبق خبرها صبح امروز نیروهای یگان ویژه عملیات نیروی انتظامی با همراهی

تعداد زیادی لباس شخصی در گروه ملی فولاد اهواز مستقر شده و به بهانه اینکه استاندار و سایر مقامات استان برای شنیدن صحبت های کارگران به شرکت می آیند، مانع از خروج کارگران از شرکت میشدند. اما کارگران با پیوستن به هم فشار آوردند و نیروی انتظامی را ناگزیر به عقب نشینی کردند و از کارخانه خارج شدند. در این روز کارگران گروه ملی بار دیگر در مقابل استانداری تجمع کردند و اعلام کردند که اگر مسئولین حرفی دارند در جمع آنها حاضر شوند.

سپس جمعیت معترض کارگران با شعارهای "می ایستیم، میمیریم، حقمون رو میگیریم، نه حاکم، نه دولت، نیستند به فکر دولت"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده ندارد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد، میجنگیم، میجنگیم"، "گروه ملی ما هستیم، تا آخرش می ایستیم"، "بیکاری، تورم، بلای جان مردم" راهی خیابان شد و سیل جمعیت کارگران از پل نادری به سمت هسته مرکزی شهر، اهواز را به تحرك در

آورد. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در شعارهایشان بارها حمایت و همبستگی خود را با کارگران نیشکر هفت تپه ابراز کردند.

هفت تپه امروز در صف جلوی جنبش کارگری در حرکت است. آنچه هم اکنون در این مجتمع بزرگ کارگری و در گروه ملی فولاد اهواز میگذرد جنبش اعتراضی کارگران و کل جامعه را گامی به جلو برده است. کارگران هفت تپه و فولاد اهواز اکنون خشم و اعتراض کل جامعه را نمایندگی میکنند و سزوار بیشترین حمایتها هستند. حزب کمونیست کارگری همگان را به حمایت وسیع از مبارزات این دو سنگر مهم اعتراضات کارگری فرا میخواند. اسماعیل بخشی و تمامی کارگران بازداشتی باید فوراً آزاد شوند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ آبان ۱۳۹۷، ۲۰ نوامبر
۲۰۱۸

کارگران گروه فولاد اهواز در کنار نیشکر هفت تپه ایستاده اند

نیشکر هفت تپه، ما هستیم، کنار هم می ایستیم

خواهان پرداخت بموقع دستمزدها، داشتن حق تشکل و رو شدن اختلاس های پشت پرده و راه اندازی تولید و امنیت شغلی شان هستند. این کارگران اعلام کرده اند که تا پاسخ به خواستههایشان از جمله پرداخت کامل طلبها، به راه افتادن خطوط تولید و کنار رفتن خطر بیکار سازی ها به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. از اعتراضات و خواستههای کارگران گروه ملی فولاد اهواز فعالانه پشتیبانی کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آبان ۱۳۹۷، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

ملی با کف زدن و پای کوبیدن شعارهای اعتراضی شان را فریاد زده و کل بساط چپاول و دزدی و توحش سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. شعارهای کارگران در این روز عبارت بودند از: "کشور ما دزد خونه است توی جهان نمونه است"، "اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی"، "فولاد هفت تپه اتحاد اتحاد"، "همدستای ما فایا استاندار و فرماندار"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"، "کارگر معلم اتحاد اتحاد"، "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگو آمریکاست"
کارگران گروه ملی فولاد اهواز

امروز ۲۷ آبان اعتصاب و اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز وارد نهمین روز خود شد. از آغاز این روز کارگران گروه فولاد اهواز در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند و با شعار "نیشکر هفت تپه ما هستیم ما هستیم کنار هم می ایستیم" همبستگی شورانگیز خود را با کارگران هفت تپه اعلام کردند. بدین ترتیب دو اعتصاب بزرگ با هزاران کارگران در کنار هم با قدرت به پیش میروند و لحظاتی فراموش نشدنی از اتحاد و همبستگی کارگری را حول خود شکل داده است. در حرکت امروز نیز همانند روزهای قبل کارگران گروه

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در نوزدهمین روز

لیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه

- کارگران گروه ملی فولاد اهواز، پیام حمایتی اعضای اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور با امضاهای زیر است: انجمن صنف تاکسیرانان مازنداران، انجمن صنف اتوبوسرانی قم، کانون صنف رانندگان کامیونداران کمپرسی یزد، کانون رانندگان و کامیونداران بندر عباس، اتحادیه حمل و نقل ترانزیت ایران ترکیه، جمعی از رانندگان ترانزیت ایران ایتالیا، حمل و نقل شهری تهران و حومه، سندیکای رانندگان استیجاری شهر تبریز، انجمن رانندگان استیجاری شرکت گاز، جمعی از وکلای تهران و کرج، واحد آتش نشانی قزوین، رانندگان ماشین آلات سنگین معدن اراک، انجمن حمایت از رانندگان یاسوج، واحد آتش نشانی شوش و حومه، کانون صنف آموزشگاههای رانندگی کشور، اتحادیه ماشین آلات کشاورزی شیراز.
- کارگران گروه صنایع کاغذ پارس، - جمعی از رانندگان شهر اصفهان، - جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج، - جمعی از معلمان عدالتخواه، - حمایت ۳۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانیبا امضاهای زیر: انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز، انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره، ۴: انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران، انجمن صنفی کارگران ساختمانی برقکاران کرمانشاه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان نظرآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی پاوه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی جوانرود، کانون کارگران ساختمانی استان کردستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی روانسر، انجمن صنفی کارگران ساختمانی هرسین، کانون انجمن های کارگری (حرف) کرمانشاه، انجمن کارگران ساختمانی کرمانشاه، انجمن صنفی کارگری های کارگری (حرف) کرمانشاه، انجمن صنفی کارگری شهرستان روانسر، ۱۸: انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان، انجمن صنفی کارگری ساختمانی جوانرود، انجمن صنفی کارگری ساختمانی سرپل ذهاب، انجمن صنفی کارگری ساختمانی قصرشیرین، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرری... وحسن آباد فشافویه، انجمن صنفی کارگری ساختمانی سنقرکلیایی، انجمن صنفی کارگری ساختمانی کنگاور، انجمن صنفی کارگران ساختمانی قروه، انجمن کارگری ساختمانی هرسین، انجمن صنفی ساختمانی صحنه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان، کانون کارگران ساختمانی خوزستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت
- جمعی از معلمان، کارگران و دانشجویان، - گروه اتحاد بازنشستگان، - شورای بازنشستگان ایران، - جمعی از دانشجویان دانشگاه چمران، - کارگران گروه مپنا در کرج، - کارگران چادرملو، - آموزش و پرورش شوش و شاورر، - سندیکای شرکت واحد، - اتحادیه آزاد کارگران ایران، - انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، - فرهنگیان شاغل و بازنشسته،
- کارکنان کاغذ پارس، - کارکنان حریرپارس، - کارکنان نیشکر میان آب، - کارکنان و کارگران هپکو در اراک، - کارکنان و کارگران پتروشیمی ماهشهر، - کارگران عسلویه، - کارگران قند شوش، - کارگران آبداران شاورر، - شورای کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی، - فرهنگیان شاورر و شوش، - کارگران اداره مخابرات، - نیروهای شرکتی مخابرات - کارکنان بهداشت و درمان، - فرهنگیان مشهد، - بازاریان و مغازه داران شوش و ...
- دانشجویان دانشگاه تهران دانشگاه علامه - دانشجویان دانشگاه چمران علاوه بر این حمایتها طوماری اعتراضی با بیش از دویست امضاء از سوی فعالین کارگری و چهره های شناخته شده کارگری در همبستگی با این کارگران به راه افتاده است. در خارج کشور نیز از سوی حزب کمونیست کارگری و نیروهای سیاسی دیگر آکسیونهایی در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان برنامه ریزی شده است. و این همبستگی ها ادامه دارد. این نیز قابل توجه است که وسعت و قدرت اعتراضات کارگران و مردم در صفوف حکومتیان هراس و شکاف انداخته و حتی "حوزه های علمیه" جمهوری اسلامی در قم، شوش، دزفول و اهواز و "جامعه روحانیت" در قم از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند!

امروز دوم آذر ماه کارگران نیشکر هفت تپه در نوزدهمین روز از اعتراضات خود ابتدا مقابل گیت ورودی کارخانه جمع شدند و سپس دسته جمعی راهی شهر شدند و علیرغم ریزش شدید باران در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی کارگران دست نوشته هایی با شعار کارگر زندانی آزاد باید گرد، کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد در دست داشتند. امید آزادی یکی از نمایندگان شورای کارگران نیشکر هفت تپه سخنان این تجمع بود و او در سخنانش ضمن ابراز خشم نسبت به دفاع رئیس سازمان خصوصی سازی از سهامداران این شرکت و از جمله اسد بیگی، بر خواسته های کارگران تاکید کرد. سخنان او با کف زدن و تایید کارگران پاسخ گرفت. در ادامه حرکت اعتراضی این روز کارگران به مصلاي شوش رفتند و همانند هفته گذشته آنجا را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند و سپس در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. به این ترتیب شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد در کل فضای شهر طنین انداز شد. کارگران اعلام کرده اند که تا آزادی اسماعیل بخشی نماینده شورا و رهبر محبوب کارگران و سپیده قلیان خبرنگار و فعال دانشجویی که در این اعتراضات بازداشت شده اند، و عملی شدن تمام خواسته هایشان به مبارزه خویش ادامه میدهند. کارگران نیشکر هفت تپه خواهان کوتاه شدن دست سهامداران خصوصی دزد هستند که شرکت را به حالت تعطیلی کشانده و خطر بیکاری زندگی و معیشتشان را زیر سوال برده است. پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و تحقق دیگر مطالبات کارگران نیز از

خواسته های کارگران است. کارگران تاکید دارند که باید شرکت زیر نظارت و کنترل شورای مستقل کارگران باشد. سندیکای نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای بر همراهی کامل با اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه تا تحقق خواسته هایشان تاکید کرده است. این سندیکا از کارگران در هفت تپه، کارگران و تشکلات مستقل کارگری در ایران و رسانه ها و نهادهای بین المللی کارگری خواست که برای آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و برای اجرای فوری و بی قید و شرط منع تعقیب قضایی و محکوم کردن کامل پرونده هایی که برای کارگرانی که در روزهای اخیر آزاد شده اند، از هیچ تلاشی فرو گذار نکنند.

حمایت ها و همبستگی با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان ادامه دارد. این حمایت ها ابعاد اجتماعی و بسیار وسیعی یافته است. لیست شمار زیادی از این حمایتها ضمیمه است.

حزب کمونیست کارگری بر ادامه حضور فعال خانواده ها و گسترش پشتیبانی و همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه تاکید دارد. باید به هر شکل ممکن از جمله اعتصابات و تجمعات حمایتی تلاش کرد که مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد اهواز با قدرت به پیش رود و کارگران به خواسته هایشان برسند. پیروزی این کارگران پیروزی همه کارگران و مردم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها حزب کمونیست کارگری ایران ۲ آذر ۱۳۹۷، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۸

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

دهمین روز اعتراضات و تجمعات کارگران گروه ملی فولاد اهواز

متری وارد خیابان طالقانی اهواز گردید و طنین شعار "بانک ملی" حیاکن گروه ملی را رهاکن " بالا گرفت. شعارهای کارگران در این روز عبارت بودند از: "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیباده، می جنگیم، می جنگیم"، "کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است"، "بانک ملی، حیا کن، گروه ملی را رها کن"، "کارگر می میمرد، ذلت نمی پذیرد"، "ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما"، "نیشکر هفت تپه، ما هستیم، ما هستیم، کنارت می ایستیم"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد".

بیکاری تورم، بلای جان مردم"، "تورم گرانی پاسخ بده روحانی"، "نه حاکم نه ملت نیستند به فکر ملت"، "مرگ بر ستمگر درود بر کارگر". این تجمع در ساعت ۱۲ ظهر پایان یافت و کارگران اعلام کردند که تا وقتی خواستههایشان پاسخ نگیرد به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

کارگران گروه ملی ۴ ماه مزد طلب دارند و تعطیل خطوط تولید ادامه کار آنان در کارخانه را به خط انداخته است. خواست این کارگران پایان دادن به اختلاس ها و بر ملا شدن دزدی های پشت پرده، به راه افتادن فوری تولید در تمام خطوط و امنیت شغلی آنان، پرداخت تمامی طلبهایشان است. یک خواست فوری این کارگران آزادی تمامی کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگری ضمن حمایت از مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز بر همستگی سراسری کارگران و کل جامعه با کارگران گروه ملی اهواز و کارگران نیشکر هفت تپه تاکید میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ آبان ۱۳۹۷، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۸

صبح امروز ۳۰ آبانماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در دهمین روز اعتراضاتشان در مقابل استانداری تجمع کردند. زیر فشار اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز امروز نماینده ای از سوی وزارت کار حاضر شد. مهدی آل میثم از نمایندگان کارگران هفت تپه طی سخنانی فریاد زد، ۲۶ روز کف خیابان اعتراض کردیم. بازداشت کردید و هنوز نمایندگان کارگران پرورنده دارند. بچه های هفت تپه در بازداشتند. این چه وزارت کار و رفاهی است! شما نماینده کارگر هستید، یا سرمایه دار؟ شما پشت سرمایه داران و بورژواها را گرفته اید، یا پشت من کارگر را؟! کارگران یک صدا جواب میدهند "پشت سرمایه دار". در تجمع کارگران مقابل استانداری همچنین کریم سیاحی یکی از نمایندگان کارگران در اعتراض به بازداشتها میگوید: "ما نه از زندان واهمه داریم و نه از اعدام میترسیم". کارگران گروه ملی در مبارزاتشان بطور واقعی کل بساط سرمایه داری حاکم با تمام دم و دستگاهش، از جمله وزارت کار و دستگاه قضایی اش را به چالش میکشند.

کارگران گروه ملی بدنال تجمع در مقابل استانداری با مارش شکوهمند خود و با شعارهای رزمنده شان از پل نادری وارد مرکز شهر و خیابان نادری شدند و در آنجا اجتماع کردند و با شعار دادن از مردم خواستند که از آنها حمایت کنند. یکی از کارگران طی سخنانی از تبعیض و بی عدالتی و مشکلات استان خوزستان گفت و از همه مردم اهواز خواست تا سکوت خود را بشکنند و به جمع کارگران پیوندند. در پاسخ به این فراخوان بخش های مختلفی از مردم به صف کارگران پیوستند و هر لحظه بر جمعیت اضافه میشد. سپس جمعیت شعارگویان پس از طی خیابان سی

کارگران نیشکر هفت تپه کوتاه نمی آیند

یعنی ما کارگران و کسی که علیه منافع ما باشد علیه امنیت ملی است اعتراض خود را به سرکوب ها تحت عنوان امنیت ملی که بطور واقعی در جهت حفظ امنیت سرمایه داران است، اعلام کرده است. دیگر خواهشهای کارگران نیشکر هفت تپه عبارتند از: "پرداخت ۴ ماه دستمزد معوقه، ایمنی محیط کار، دائمی شدن قراردادهای کاری و داشتن حق تشکل".

بدین ترتیب نیشکر هفت تپه در صف جلوی جنبش کارگری در حرکت است و موجی از همبستگی پیرامون خود شکل داده است. این همبستگی ها ادامه دارد. آخرین نمونه این همبستگی ها، پیام حمایتی اعضای اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور با امضای زیر است: انجمن صنف تاکسیرانان مازنداران، انجمن صنف اتوبوسرانی قم، کانون صنف رانندگان کامیونداران کمپرسی یزد، کانون رانندگان و کامیونداران بندر عباس، اتحادیه حمل و نقل ترانزیت ایران ترکیه، جمعی از رانندگان ترانزیت ایران ایتالیا، حمل و نقل شهری تهران و حومه، سنیکای رانندگان استیجاری شهر تبریز، انجمن رانندگان استیجاری شرکت گاز، جمعی از وکلای تهران و کرج، واحد آتش نشانی قزوین، رانندگان ماشین آلات سنگین معدن اراک، انجمن حمایت از رانندگان یاسوج، واحد آتش نشانی شوش و حومه، کانون صنف آموزشگاههای رانندگی کشور، اتحادیه ماشین آلات کشاورزی شیراز.

همچنین کارگران گروه صنایع کاغذ پارس، نیروهای شرکتی مخابرات و جمعی از رانندگان شهر اصفهان و کنفدراسیون سراسری ایتالیا برای کار (CGIL) از کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند. لیستی از همبستگی های پرشور با کارگران نیشکر هفت تپه ضمیمه است. اعتراضات کارگران نیشکر هفت هفت در موقعیت حساس و تعیین کننده ای قرار دارد. حزب کمونیست کارگری بر ادامه و

مذاکره" و اعلام کرد که حتی اگر تمام دستمزدهای پرداخت نشده پرداخت شود، مذاکره ای در کار نخواهد بود. و پیش شرط هر گونه مذاکره ای آزادی و بازگشت به کار دوستان زندانی است. این بیانیه با اشاره به مبارزات شجاعانه کارگران هفت تپه و حمایت وسیع مردم شوش از این اعتراضات هشدار میدهد که "در این میان جدیداً افرادی ناشناس!! آگاهانه تلاش می کنند که مسیر خواست و مطالبه کارگران را به انحراف بکشاند. این افراد با بیان اینکه خواست اولیه کارگران هفت تپه تنها دستمزد است، عملاً مهر سکوت را بر دیگر مطالبه کارگران می کوبند، که کارگران از نمایندگان دربند، سخنی نگویند و نمایندگان دلسوز و فداکار و منتخب کارگران هفت تپه همچنان در بند باقی بمانند و به فراموشی سپرده شوند".

سنیکای کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیه هایش اعلام کرده است که کارگران تا دست یافتن به مطالبات خود به اعتراضات قدرتمندشان ادامه میدهند و همانطور که اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان در سخنرانی پرشوری که قبل از دستگیر داشت بر اینکه اعتصاب و اعتراضی به این زیبایی نبوده است که اینهمه حمایت و همبستگی را همراه داشته باشد، آنها نیز به همین زیبایی، شکوه و با حوصله و خستگی ناپذیر اقدر ادامه میدهند تا به مطالباتشان برسند.

در بخشی از بیانیه دیروز سنیکای نیشکر هفت تپه همچنین در رابطه با خواستههای کارگران و اداره شدن کارخانه تحت نظارت شورایشان چنین آمده است: "بخش خصوصی خوب و بد، لایق و نالایق نداریم! هفت تپه ملک و اموال عمومی ما و نسل های قبل از ما و نسل های بعد از ما است. چرا باید به قیمت هیچ به شخص و بخش خصوصی بخشیده شود؟ ما میخواهیم بگذارند که یا خودمان مالک و گرداننده شرکت باشیم و یا اینکه دولت مالکیت را داشته باشد و خودمان نظارت کنیم". در این بیانیه با اعلام اینکه امنیت ملی،

امروز اول آذر ماه کارگران نیشکر هفت تپه در هیجدهمین روز اعتراضاتشان به خیابان آمدند و در مقابل فرمانداری تجمع کردند. تجمع کارگران با حمایت وسیع مردم شوش و بخشهای مختلف جامعه و همراهی خانواده ها صورت گرفت. کارگران در فراخوان به این تجمع، اعلام کرده بودند که خواست اول آنها آزادی تمامی بازداشت شدگان است و شعارشان کارگر زندانی آزاد باید گردد، خواهد بود. امروز کارگران نیشکر هفت تپه با همین شعار به خیابان آمدند و صدای اعتراضاتشان به ادامه بازداشت ها بر فضای شهرشوش طنین انداخت.

در نتیجه اعتراضات قدرتمند این کارگران بنا بر آخرین خبر به نقل از گروه تلگرامی سنیکای نیشکر هفت تپه امروز سه نفر دیگر از نمایندگان بازداشتی به اسامی محمد خنیفر، مسلم آرمند و سیدفاضل خنیفر آزاد شدند. اما اسماعیل بخشی نماینده کارگران و سبیده قلیانی خبرنگار و فعال دانشجویی همچنان در بازداشت بسر میبرند. کارگران خواستار آزادی تمامی بازداشت شدگان هستند.

جالب اینست که از سوی دست اندرکاران حکومتی تلاش های بسیاری میشود که با وعده هایی چون پرداخت یکی دو ماه دستمزد از کارگران وقت بخردند و صف اعتراض آنان برای آزادی اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگری را تضعیف کنند. روز گذشته سی ام آبانماه نماینده وزیر کار با گسترش وسیع اعتراضات به ناگزیر به شوش رفت و طی نشستی که با نمایندگان از کارگران در فرمانداری داشت، وعده پرداخت یک ماه از طلب کارگران در همان روز و یک ماه دیگرش را برای هفته دیگر داد. او گفت همه بازداشت شدگان جز اسماعیل بخشی آزاد خواهند شد. اما روشن است که این وعده نمیتوانست و نتوانست کارگران را راضی کند. خواست اول کارگران آزادی اسماعیل بخشی است. سنیکای کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای در همان روز اعلام کرد "تا کارگران بازداشت شده آزاد نشوند مذاکره بی

از هفت تپه تا تهران
زحمتکشان در زندان

فراخوان به کارگران و مردم خوزستان

کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز اعتراضات و اعتصاب قدرتمندی را همراه با تجمع و راهپیمایی به پیش میبرند. خانواده های کارگران نیشکر و از جمله دانش آموزان هفت تپه به تجمعات پیوسته اند. هماهنگی قابل توجهی در میان کارگران اعتصابی در هفت تپه و اهواز شکل گرفته است. کارگران فریاد میزنند فولاد، هفت تپه اتحاد اتحاد. حکومت گارد ویژه را سراغ کارگران هفت تپه فرستاده است اما کارگران به اعتراض ادامه میدهند. این دو اعتصاب و حضور وسیع خانواده ها تا همینجا دستاورد مبارزاتی مهمی نه فقط برای کارگران این دو شرکت بلکه يك پیشروی مهم و شورانگیز برای کلیه کارگران در سراسر کشور و برای همه مردم است. این اعتصابات اعتراض به فقر و دستمزدهای زیر خط فقر است، اعتراضی است به گرانی و محرومیت، اعتراضی که باید مورد پشتیبانی همه مردم قرار گیرد. در

روزهای گذشته مردم شهر شاور، کشاورزان شوش و حومه، کارگران شرکت قند شوش، جوانان روستای مالک اشتر و کارگران گروه ملی فولاد اهواز با پیام های خود از کارگران هفت تپه حمایت کرده اند و مردم شوش در کنار کارگران هفت تپه قرار گرفته اند. این همبستگی را باید تقویت کرد. حزب کمونیست کارگری از کارگران در سراسر کشور و بطور مشخص کارگران مراکز کارگری در اهواز و شوش و سایر شهرهای خوزستان، کارگران نفت و پتروشیمی ها، لوله سازی و کشت و صنعت و از کلیه معلمان و بخش های دیگر مردم معترض میخواند که به هر شکل میتوانند از کارگران اعتصابی هفت تپه و فولاد حمایت کنند و با تقویت این اعتصابات، مانع دخالت ارگان های سرکوب و دستگیری کارگران شوند و این دو اعتصاب بزرگ کارگری را با موجی از همبستگی به موفقیت برسانند. اعتراض به فقر، به

زنده باد اعتصاب متحدانه کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه پیش به سوی اعتصابات سراسری پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ آبان ۱۳۹۷، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

نیشکر هفت تپه، ما هستیم، ماهستیم، کنارت می ایستیم

سه شنبه ۲۰ نوامبر و شنبه ۲۴ نوامبر در دفاع از کارگران هفت تپه دست به تجمع میزنیم

جمهوری اسلامی روز ۱۸ نوامبر در چهاردهمین روز اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی و سایر نمایندگان شورای کارگران و تعدادی از فعالین این مرکز کارگری را دستگیر کرد که به خیال خود جلو گسترش اعتراض کارگران هفت تپه را که با حمایت پرشور خانواده ها و مردم شهر و همبستگی بسیاری از مراکز کارگری همراه شده است، بگیرد. حداقل ۱۸ نفر از رهبران کارگران و يك زن خبرنگار را دستگیر کردند اما امروز کارگران نیشکر و مردم شهر پرشورتر از روزهای قبل در مقابل فرمانداری

دادگان شوش دست به تجمع زدند و خواهان آزادی رهبران خود شدند. اعتصاب و تجمعات قدرتمند و متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه که تمام مردم شهر را به حرکت درآورده است تا همینجا همبستگی بخش هایی از جامعه از دانشجویان تا فعالین کارگری و معلمان و بازاریان و دانش آموزان را به خود جلب کرده است. اعتصاب و تجمعات کارگران هفت تپه اعتراض به فقر و نابرابری و سرکوب و اختلاس است. خواست های کارگران هفت تپه خواست همه مردم در سراسر کشور علیه مفتخوران و سرکوبگران حاکم است و

باید با حمایت و همبستگی هر چه وسیعتری در داخل و خارج کشور مواجه شود. روز سه شنبه ۲۰ نوامبر و شنبه ۲۴ نوامبر در شهرهای مختلف اروپا و کانادا دست به تجمع میزنیم و همه شما مردم معترض را به شرکت در این تجمعات فرامیخوانیم. سران حکومت باید بدانند که هر دستگیری و هر جنایتی با موجی از اعتراض و خشم مردم در سراسر جهان جواب میگیرد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ نوامبر ۲۰۱۸

ما همه بخشی هستیم

اسماعیل بخشی و مسلم آرمند باید فوراً آزاد شوند

امروز ۲۷ آبان در پایان تجمع باشکوه کارگران نیشکر هفت تپه و اوج اعتراض کارگران و ملحق شدن خانواده ها و مردم شهر به اعتراض آنها و در حالیکه همبستگی باشکوهی میان ده هزار کارگر نیشکر و فولاد اهواز شکل گرفته است، رهبران محبوب و خوشنام آنها، اسماعیل بخشی و محسن آرمند، و يك خبرنگار دستگیر شدند. مقامات و ارگان های قضایی و سرکوشان به عبث فکر میکنند میتوانند خواست های مردم را نادیده بگیرند، فقر و محرومیت را به مردم تحمیل کنند، بچاپند و بلزدند، حقوق های ناچیز کارگران را بالا بکشند و رهبران مردم را دستگیر کنند و خیالشان از گسترش مبارزات راحت باشد. کور خوانده اند.

اگر سرکوب و دستگیری رهبران کارگری چند دهه قبل میتوانست برای مدتی مردم را عقب براند، اما در شرایط کنونی که اعتصابات کارگری در سراسر کشور رو به گسترش است و مردم هر روز و هر ساعت خشم و اعتراضشان را با اعتصاب و تجمع و تظاهرات نشان میدهند، و حکومت از برآوردن کوچکترین خواست های مردم ناتوان است، سرکوب و دستگیری به خشم و اعتراض وسیعتر مردم تبدیل میشود. کارگران و مردم حق خود میدانند که به وضعیت اسفباری که مشتی مفتخور و جنایتکار به آنها تحمیل کرده اند، اعتراض کنند، اعتصاب کنند، تجمع کنند، راهپیمایی کنند، تحصن کنند، جاده ببندند، شعار بدهند و مردم معترض دیگر را دعوت به همبستگی و اعتصاب و تجمع کنند. کاری که اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران و شورای کارگران نیشکر کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آبان ۱۳۹۷، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

فاجعه یمن

از صفحه ۴

انساندوست، همچنین اتحادیه ای کارگری مطرح و توانمند و افکار عمومی فشار آورد که دست به سازمان دادن اعتراضی وسیع علیه سکوت و مداخلات اتحادیه اروپا و سازمان ملل بزنند و آنها را برای اقدامی سریع و عاجل برای قطع فوری جنگ وادارند.

برای پایان دادن به جنگ و رهایی مردم از چنگال همه جانوران قومی و مذهبی در این کشور است. در خارج کشور باید به سازمان ها و نهاد های حقوق بشری و

کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی در اعتراض متحد خانواده های کارگران نیز وارد میدان میشوند

کارگری را محکم به هم پیوند داده و کنار هم قرار داده است. این کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه مزد، از کار افتادن خطوط تولید کارخانه و تهدید بیکارسازیها، اعتراض به بساط دزدسالاری حاکم که وضعیت این کارخانجات را به چنین روز سیاهی کشانده است و نیز در اعتراض به گرانی ها و افزایش سرسام آور و هر روزه قیمت ها، این چنین قدرتمند به میدان آمده اند. نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز دو کانون داغ اعتراضی و دو الگو برای تمام کارگران و همه جامعه هستند. اتکای این کارگران به قدرت شورای کارگری و مجمع عمومی شان و به میدان آمدن خانواده ها در این اعتراضات و بلند کردن پرچم همبستگی کارگری از سوی آنان، این کارگران را امروز در پیشاپیش صف اعتراضات کارگری قرار داده است.

حزب با تمام قوا از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی حمایت میکند. حزب بر همبستگی کارگران در سراسر ایران و ویژه بر همبستگی کارگران در استان خوزستان با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی تاکید میکند. پیوستن همه کارگران به این اعتراضات، و اعتصابات با خواست پرداخت فوری دستمزدها و افزایش دستمزدها در گام اول به بالای خط فقر ۶ میلیون تومانی یک ضرورت فوری است. ادامه حضور هرچه گسترده تر خانواده های کارگران در اعتراضات یک فاکتور مهم در موفقیت این مبارزات است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ آبان ۱۳۹۷، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

وضعیت مشقت بار زندگی و معیشتی که به آنها و کارگران فولاد اهواز و همه جامعه تحمیل شده اشاره کرد و تاکید کرد که دولت در قبال این وضعیت مسئول است و باید بابت این همه خسارتی که وارد شده از جمله بابت تعویق پرداخت ۴ ماه مزد به کارگران هفت تپه خسارت پرداخت شود. تاکید بر خسارت تاخیر به کارگران یک تاکید بجاست و حکومت موظف است بخاطر خسارات و لطمات وارد شده به کارگران غرامت پرداخت کند. سخنان اسماعیل بخشی و تاکید او بر اینکه "همه کسانی که در اختلاس ها دست دارند باید محاکمه شوند"، با کف زدن ممتد کارگران پاسخ گرفت. یک لحظه با شکوه دیگر این حرکت اعتراضی پیوستن دانش آموزان یکی از مدارس به تجمع کارگران هفت تپه در مقابل فرمانداری و اعلام همبستگی با آنان بود.

همزمان با تجمع کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران گروه ملی فولاد اهواز نیز در مقابل فرمانداری این شهر تجمع داشتند. شعارهای کارگران گروه ملی در این حرکت اعتراضی عبارت بودند از: "این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت!"، "کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است!"، "نه حاکم نه دولت نیستن به فکر ملت!"، "نه تهدید، نه زندان دیگه فایده نداره!"، "تورم گرانی پاسخ بده روحانی!"، "دشمن ما همینجاست دروغ میگن امریکاس".

کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی با شعارهای اعتراضی خود بطور واقعی صدای اعتراض کل کارگران و همه مردم هستند. خواستها و اعتراض مشترکی این دو حرکت اعتراضی

روز ۲۶ آبان کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش و گروه ملی فولاد اهواز در مقابل فرمانداری همزمان تجمع داشتند. یک تحول مهم در این دو حرکت اعتراضی، حضور چشمگیر خانواده ها در تجمع کارگران نیشکر هفت تپه به فراخوان نمایندگان کارگران است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در این روز با شعارهای "نیشکر هفت تپه، ما هستیم"، "فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد"، پاسخ فراخوان کارگران هفت تپه به همبستگی وسیع کارگری با مبارزاتشان را دادند. بدین ترتیب ۶ هزار کارگر هفت تپه و ۴ هزار کارگر گروه ملی با همبستگی شورانگیز خود یک گام تاریخی برداشتند و حضور صدها تن از اعضای خانواده های کارگری هفت تپه نیز به این جنبش فضای شورانگیز و بازتاب گسترده ای داده است.

در این روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد سیزدهمین روز خود شد و کارگران با خانواده هایشان تجمع بزرگی در برابر فرمانداری برپا کردند و با شعار دادن مردم را به حمایت و همبستگی فراخواندند. سیل کارگران معترض سپس در سطح شهر به حرکت درآمدند و شعارهای کوبنده شان فضای شهر را فرا گرفت. از جمله شعارهای کارگران عبارت بود از "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر"، "مسئول بی لیاقت، نمیخواهیم، نمیخواهیم"

در تجمع مقابل فرمانداری یوسف بهمنی و اسماعیل بخشی از نمایندگان شورای کارگران طی سخنانی بر خواستهای کارگران تاکید کردند. اسماعیل بخشی در سخنرانی اش به اختلاس ها و

دستگیری نمایندگان کارگران هفت تپه را محکوم میکنیم

برای آزادی کارگران زندانی همچنین از تمامی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان خواستار پشتیبانی قاطع از خواستها و مبارزات کارگران هفت تپه و پیوستن به کارزار برای آزادی دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه است. این کمپین همچنین از تمام سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهد که به شکل نوشتن نامه اعتراضی به مقامات حکومت اسلامی و محکوم کردن این سرکوبگرها، با نوشتن نامه به سازمان جهانی کار در اعتراض به مداخلات آن با حکومت سرکوبگر اسلامی در ایران و فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای آزادی دستگیر شدگان هفت تپه و تمامی زندانیان سیاسی در کنار کمپین برای آزادی کارگران زندانی باشند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۷ آبان ۹۷، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸



کارگران به زندگی جهنمی زیر خط فقر و شرایط نا ایمن کار و امنیتی شدن محیط کارخانه شان اعتراض دارند. به این سرکوب ها و دستگیریها اعتراض دارند و اینها همه موضوع اعتراض کارگران گروه ملی و بخش وسیعی از کارگران در سراسر کشور است. اعتراض امروز کارگران نیشکر هفت تپه با همراهی خانواده هایشان با پشتیبانی و اعلام همبستگی از سوی معلمان، دانش آموزان، کارگران کاغذ سازی پارس، بازاریان و مردم شوش روبرو شد. همچنین کارگران گروه ملی فولاد اهواز که با مشکلات مشترکی هم اکنون در اعتراض بسر میبرند با اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند.

در ادامه این همبستگی ها اکنون کارزاری در حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزاد شدن بازداشتی های امروز در جریان است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی با اعلام کارزاری جهانی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان امروز نیشکر هفت تپه، در کنار کارگران این مجتمع بزرگ کارگری و در کنار خانواده های بازداشت شدگان با تمام قوا تلاش میکند. میتوانیم به قدرت اعتراضات گسترده مان تمامی بازداشت شدگان را آزاد کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه کارگران، معلمان، دانشجویان، مردم معترض در ایران و خصوصا مردم شوش خواستار وسیعترین حمایتها برای آزادی اسماعیل بخشی و تمامی نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده غلیان که امروز دستگیر شده، است. کمپین

بنا به گزارشها روز ۲۷ آبانماه بدنبال تجمع اعتراضی قدرتمند و با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش تمامی اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه و چند فعال کارگری به همراه یک خبرنگار به اسم سپیده غلیان بازداشت شدند. اسامی کارگران بازداشت شده عبارتند از: اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، محسن آرمند، پویا بشمه، سعید منصوری، جلیل احمدی، عظیم سرخه، مهدی داوودی، سعید الکثیر، علینژاده، امید آزادی، سید حسن فاضلی، صمیر احمدی، سلامات نیا، عماد کثیر، محمود سعدی، خالد تمیمی. از وضعیت دستگیر شدگان هفت تپه خبری در دست نیست.

بنا بر خبرها بلافاصله پس از این دستگیریها و کیل کارگران با وکالتی که از نمایندگان کارگری در دست داشت، برای اعلام وکالت حاضر شد. اما دادستان دادرسی عمومی و انقلاب شهر شوش اعلام کرده است که تاکنون گزارشی به آنها نرسیده است و از علت دستگیری و مرجع آن اظهار بی اطلاعی کردند. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار آزادی فورا همکاران بازداشتی و پاسخگویی به خواستهایشان هستند. امروز تعدادی از کارگران همراه با خانواده های بازداشت شدگان، برای پیگیری وضع کارگران بازداشتی به مقابل ستاد فرماندهی اطلاعات رفتند و در اعتراض به این دستگیریها تجمع کردند.

کارگران نیشکر هفت تپه ۴ ماه مزد طلب دارند. با چپاول و دزدی های پشت پرده و تعطیلی بخش هایی از کارخانه ادامه کار و معاششان زیر سوال رفته است. این

حرکت وسیع و خشمگین کارگران هفت تپه برای آزادی رهبرانشان سیل حمایت شورانگیز از کارگران نیشکر هفت تپه

امروز نیز یکی از روزهای تاریخی و بیاد ماندنی مبارزه کارگران و مردم بود. بدنبال دستگیری اسماعیل بخشی و تعداد دیگری از نمایندگان کارگران گروه نیشکر هفت تپه، کارگران این مجتمع بزرگ کارگری در پانزدهمین روز اعتراضشان با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، به خیابان آمدند و در حالیکه سیل جمعیت مردم شوش آنها را همراهی میکردند در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند. طنین شعارها شهر را به تکان در آورده بود.

از صبح زود کارگران گروه کارگر با اتوبوس و ماشینهای شخصی برای تجمع و اعتراض به طرف فرمانداری شهر در حرکت بودند. ماشینهای کارگران هفت تپه با کف زدن و استقبال گرم مردمی که منتظر آنان بودند روبرو شد. همچنین از قبل شمار زیادی از مردم شوش در برابر فرمانداری جمع شده بودند که به جمع کارگران پیوستند. بدین ترتیب جمعیت بزرگی از کارگران هفت تپه، خانواده ها و مردم شوش در مقابل فرمانداری گرد آمدند. شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد با صدای رسا فریاد زده میشد. سیل جمعیت خشمگین با شعارهای اعتراضی و آزادیخواهانه در شهر به حرکت در آمد. بر سیل جمعیت هر دم افزوده میشد و مغازه داران نیز مغازه های خود را به نشانه اعتراض بستند و بسیاری از آنها به جمعیت پیوستند. امروز اتحاد و همبستگی بخشهای مختلف مردم علیه حاکمین و مفتخوران را میشد بوضوح دید. کارگران، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان با دست نوشته هایی در

حمایت از کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه همراه با جمعیت حرکت میکردند و فریاد میزدند و شعار میدادند و عزم خود را برای ادامه مبارزه ابراز میکردند. جمعیت خشمگین شعار میداد "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد"، "اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی"، "کارگرا اسیرن، دزدا راحت در میرن" و شعارهای دیگری که حاکی از خشم و عصبانیت مردم از نیروهای انتظامی و سیستم حاکم بود.

سپس جمعیت بطرف دادگاه اسلامی حرکت کردند و در آنجا با فریاد "کارگر زندانی آزاد باید گردد" اعتراضات ادامه یافت. در این روز گروهی از کارگران نیشکر هفت تپه به نشانه اعتراض به سانسور خبری "ستاد خبری شوش" در برابر دفتر این روزنامه تجمع کردند و به سکوت این نهاد اعتراض کردند.

همزمان با تجمع کارگران همراه با حضور و حمایت گسترده مردم شوش، در اهواز نیز کارگران گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری با شعار "زندانی هفت تپه آزاد باید گردد" تجمع داشتند. کارگران گروه ملی در راهپیمایی خود شعار میدادند "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد میجنگیم میجنگیم"، "کارگر میمیرد ذلت نمیپذیرد"، "ما فیما خدایی میکنه کارگر گدایی میکنه". در این تجمع یکی از کارگران در مورد ادامه اعتراضشان و اینکه تا تولید به راه نیفتد و دستمزهایشان پرداخت نشود و تا آزادی کارگران بازداشتی هفت تپه به اعتراضشان ادامه خواهند داد، سخن گفت و با کف زدن جمعیت روبرو شد. در لحظه ای شورانگیز در این تجمع یک معلم زن برای

کارگران سخن گفت. او حمایت خود بعنوان یک معلم را از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، گروه ملی، هپکو، عسلویه و همه کارگرانی که امروز با مشکلاتی مشابه در اعتراضند اعلام کرد و بر آزادی کارگران بازداشتی هفت تپه تاکید نمود.

در این روز همچنین گروهی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در تهران در اعتراض به دستگیری کارگران نیشکر هفت تپه تجمع کردند و بیانیه ای را در حمایت از خواستها و اعتراضات کارگران قرائت کردند. جمعی از کارگران عسلویه نیز در ابتکاری جالب با ارسال کلیپی همبستگی خود را با کمپین حمایت از کارگران هفت تپه اعلام کرده اند. از سوی دیگر در همین فاصله کوتاه طوماری اعتراضی با بیش از ۲۰۰ امضاء از سوی فعالین کارگری در حمایت از کارگران نیشکر هفت انتشار یافت و این حرکت اعتراضی ادامه دارد. همچنین دهها وکیل طی نامه ای ضمن بر حق دانستن تجمع کارگران نیشکر هفت تپه برای خواستهای و مطالباتشان، خواستار پاسخگویی به معضلات کارگران نیشکر هفت تپه شده اند. بعلاوه جمعی از کارگران فصلی و مهاجر دماوند و کارگران قند اهواز همبستگی خود را با کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند. گروهی از کارگران کارخانه هپکو نیز با در دست گرفتن بنر و پلاکاردی که بر روی آن نوشته شده است "ما از کارگران هفت تپه، حمایت میکنیم" با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام همبستگی کردند.

یادآوری کنیم که روز گذشته بدنبال تجمع اعتراضی قدرتمند و

با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش تمامی اعضای مجمع نمایندگان شورای کارگران نیشکر هفت تپه و چند فعال کارگری به همراه یک خبرنگار به اسم سپیده غلیبان بازداشت شدند. اسامی کارگران بازداشت شده عبارتند از: اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، محسن آرمند، پویا بشمه، سعید منصوری، جلیل احمدی، عظیم سرخه، مهدی داوودی، سعید الکثیر، علیزاده، امید آزادی، سید حسن فاضلی، صمیر احمدی، سلامات نیا، عماد کثیر، محمود سعدی، خالد تیمی، ایمان اختری.

اتحاد و همبستگی ای که امروز در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و همه کارگران دستگیر شده عملی شد بسیار مهم و فراموش نشدنی است. این همبستگی را باید در سراسر کشور با کارگران نیشکر هفت تپه نشان داد و برای آزادی همه کارگران تلاش کرد. جمهوری

کارگران نیشکر هفت تپه کوتاه نمی آیند

از صفحه ۱۹

شدگان هفت تپه، امر و هدف همه کارگران و کل جامعه است. گسترش مبارزه و اعتصابات سراسری و پافشاری بر حق تشکل و حق اعتصاب و افزایش چندین برابر دستمزدها یک گام مهم در این جهت است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آذر ۱۳۹۷، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۸

گسترش پشتیبانی و همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه تاکید دارد. همانطور که امروز کارگران گروه ملی و بخشهای دیگری از کارگران و مردم قهرتمند در کنار کارگران نیشکر هفت تپه ایستاده اند، انتظار می رود تمامی بخش های کارگری در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه قدم به جلو بگذارند. پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه، آزادی اسماعیل بخشی و تمامی بازداشت

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

کارگرا اسیرن، دزدا راحت در میرن